

سایم اوان

اپر تو اذان

عقابت اللہ بچل لاملر

www.ayyazbooks.com

www.ayyazbooks.com



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام آوا یا پرتو اذان

نویسنده:

عنایت الله جبل عاملی

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	پیام آوا یا پرتو اذان
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۴	پیشگفتار
۱۸	فصل یکم: کلیات
۱۸	مقدمه
۲۰	معنای لغوی اذان
۲۱	جمله های اذان
۲۱	مأخذ جملات اذان
۲۷	نتیجه
۲۸	فصل دوم: فرهنگ اذان پیام فرهنگی
۲۸	مقدمه
۳۲	شرح پیام
۳۲	الله اکبر
۳۵	اشهد ان لا اله الا الله
۳۸	اشهدان محمداً رسول الله
۴۰	اشهد أن علیاً ولی الله
۴۲	حی علی الصلاة
۴۳	حی علی الفلاح
۴۶	حی علی خیر العمل
۵۶	حذف «حی علی خیر العمل» از اذان
۵۹	تکبیر و تهلیل
۶۰	توضیح:

۶۱	توضیح دیگر
۶۲	قدقامت الصلوه
۶۵	فصل سوم: پی آمدهای اذان
۶۵	مقدمه
۶۵	اذان و فرد
۶۹	اذان و اجتماع
۷۲	ندای گسترده
۷۴	درباره مرکز

پیام آوا یا پرتو اذان

مشخصات کتاب

سرشناسه : جبل عاملی، عنایت الله

عنوان و نام پدیدآور : پیام آوا، یا، پرتو اذان/ نوشته عنایت ا... جبل عاملی.

مشخصات نشر : تهران:ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۵۰ص.

شابک : ۷۰۰۰ ریال: ۹۷۸۹۶۴۵۳۷۰۳۹۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : واژه نامه.

موضوع : اذان و اقامه

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/۳ ج ۲ پ ۹ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۶۱۷۷۲

ص: ۱

اشاره

پیام آوا یا پرتو اذان

نوشته: عنایت ا... جبل عاملی

ص: ۳

سرشناسه: جبل عاملی، عنایت الله

عنوان و نام پدیدآور: پیام آوا یا پرتو اذان / نوشته عنایت الله جبل عاملی

مشخصات نشر: تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹

مشخصات ظاهری: ۶۷ ص.

شابک: ۶-۰۳۹-۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸، قیمت ۱۰۰۰۰ ریال.

وضعیت: فیا

یادداشت: واژه نامه

موضوع: اذان و اقامه

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۹ پ ۲ ج / ۳ / ۱۸۶ BP

رده بندی دیویی: ۳۵۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۶۱۷۷۲

نام کتاب: پیام آوا یا پرتو اذان

تالیف: عنایت الله جبل عاملی

ناشر: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: پاییز، ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

۲- دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور

شایک: ۶-۰۳۹-۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸

ص: ۴

سپاس خداوندی را که پس از نعمت وجود، نعمت هدایت به موجود بخشید و درباره ی انسان قسمتی از این هدایت را به وسیله ی فرستادگان و به ویژه آخرین رسول خود حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله صلی الله علیه واله و سلم به بشر ارزانی داشت (هدایت تشریحی). و به انسان حق انتخاب و اختیار آن را در مسیر هدایت عطا فرمود.

چه خوشبخت کسانی که ره پیمای طریق حق باشند و همواره به ندای روشنگر و الهام بخش سعادت آفرین دین مبین گوش فرا دهند و با هدفمندی و تدبیر به سوی زندگی جاودان گام بردارند.

در دین برتر خدا، ستونی استوار به نام «نماز» قرار داده شده است که به حق زیر بنا و تنظیم کننده برنامه ی زندگی و تعیین کننده شیوه ی رفتار و کردار انسان در مسیر صواب و تعالی و پیشگیری از لغزش و خطا است و حق تعالی آنرا «بازدارنده از زشتی ها و پلیدی ها» قلمداد فرموده است.

فراخوان به این پالایشگاه روح انسان که در هر شبانه روز پنج بار مسیر فکری و عملی او را از ناپاکی ها می زداید و به سوی کمال و خوشبختی می راند، مجموعه

پیام دهنده ای است به نام «اذان» که فرهنگی پر بار و جُنکی جامع از اصول عقاید و اعمال را در بردارد.

در این نوشته مختصر در حد بضاعت بسیار ناچیز نویسنده، کوشش گردیده است تا پیامی که از لابلای کلمات و جملات اذان پرتو افکنی می کند تا حد امکان بر صفحه نوشته نقش بندد.

برای این منظور ابتدا تا جایی که میسر گردید با کنکاش و جستجو در کتابخانه ها و نمایشگاه های کتاب و هر محلی که احتمال میرفت کتابی یا نوشته ای درباره ی اذان به دست آید، تعدادی مدرک و کتاب تهیه و مطالعه گردید و در نگارش این مجموعه سعی شد مطالبی نوشته شود که تکرار نوشته های کتابهای دیگر نباشد مگر به ضرورت و حداقل، آن هم بیشتر در زمینه تاریخ و حدیث.

علاوه بر این، منابع معتبری نیز جهت استناد به مأخذ، مطالعه گردید که در هر مورد در پایین صفحه به آن اشاره شده است.

درباره ی نام گذاری (یا وجه تسمیه) این مجموعه به نام (پیام آوا یا پرتو اذان) نظر جستجوگر خواننده محترم را به دو نکته جلب می نماید: یکی اینکه در قرآن کریم واژه «نداء برای نماز» به جای اذان به کار رفته است (... و اذانودی للصلوه...) و با مراجعه به فرهنگ لغت، مناسب ترین معنی فارسی برای «نداء» کلمه «آوا» انتخاب گردید، بنابراین عنوان «پیام آوا» با مطالب محتوای کتاب انطباق دارد.

نکته دیگر، به منظور اینکه عنوان روی جلد نظر بیننده را به موضوع درون آن متوجه کند عبارت «یا پرتو اذان» اضافه گردید تا چنین متبادر به ذهن شود که گـوئی از یک منبع نورانی بسیار عظیم پرتوی به درون محوطه ای خالی از نور می تابد و بدینسان عنوان «پیام آوا یا پرتو اذان» روی جلد نقش بست.

وظیفه دارم از کلیه متفکران و صاحب نظرانی که در تهیه ی این مجموعه با ارائه رهنمودهای هدایت کننده و روشنگر خویش مرا یاری فرموده اند کمال تشکر و سپاس خود را تقویم حضورش ان نـمـایم و بـهـویـژه از مـعاونت محترم

فرهنگ، آموزش و پژوهش ستاد اقامه نماز و همکاران فرهیخته ایشان که با دقت و نکته سنجی ویراستاری فرموده و انتشارات ستاد که چاپ و انتشار آن را به عهده گرفته اند بسیار متشکرم و آرزوی توفیق هرچه بیشتر ایشان را در راه پیشبرد علمی و عملی فرهنگ نماز از درگاه احدیت خواستارم.

از خواننده ی محترم استدعا دارد هرگونه انتقاد سازنده خود را جهت اصلاح و تکمیل چاپ بعدی به نشانی ناشر ارسال فرمایند و از این بابت قبلاً تشکر می نمایم.

اول مرداد ۱۳۸۹ هجری شمسی

شعبان المعظم ۱۴۳۱ هجری قمری

بنده خدا عنایت ا... جبل عاملی

ص: ۹

افراد بشر از دیرباز هنگامی که با هم‌نوع خود روبرو می‌شدند و به بـرقـراری ارتبـاط فکری و عاطفی یا اطلاع‌رسانی با همدیگر احساس نیاز می‌نمودند با علائم و نشانه‌هایی منظور خود را بیان می‌کردند. به تدریج این علائم و نشانه‌ها، تبدیل به زبان و گویش گردید که در جهان امروز میان طوایف و گروه‌های اجتماعی زبان‌های مختلفی رایج است و در هر زبان نیز ممکن است گویش‌ها، لهجه‌ها و اصطلاحات متفاوتی متداول باشد.

با این که امروزه زبان‌های زنده دنیا بصورت علم درآمده و در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و هر یک دارای قواعد، دستورات، صرف و نحو خاص خود می‌باشد؛ مع الوصف هنوز هم در بعضی از موارد برای تبادل منظور یا اعلام و ابلاغ پاره‌ای اطلاعات و هشدارها به جای الفاظ از علائم و رنگ‌ها یا صداهای مخصوص استفاده می‌شود. مثلاً در راهنمایی و رانندگی از رنگ چراغ، برای اعلام خطر از آژیر، جهت اعلام وقت از زنگ ساعت

و... بهره می گیرند. در ارتباطات نیز تا چندی پیش از الفبای مورس (۱) استفاده می شد.

در بین اقوام، ادیان و جوامع مختلف برای مشخص نمودن زمان معین یا اعلام موضوع خاص، علائمی همچون برافروختن آتش، نواختن موزیک مخصوص، جار زدن در معابر، دمیدن در بوق و شیپور، به صدا درآوردن ناقوس کلیسا (مثلاً در کلیسای معروف نوتردام پاریس) یا زنگ ساعت بزرگ شهر (مانند ساعت بیگ بن لندن) مورد استفاده قرار می گرفت که هنوز هم بعضی از آن ها متداول است ولی هیچ یک از این علائم و اصوات به جز یک اعلام ساده نیست و فرهنگ خاصی را به همراه ندارد.

در اسلام از سال اول هجرت به امر الهی و تأکید پیامبر اکرم (ص) برای اعلام وقت فریضه نماز، «اذان» متداول شد که همراه و دربرگیرنده «پیام فرهنگی» خاصی می باشد.

به عبارت دیگر: «اذان» سرفصل اعلام فرهنگ اسلام و اصول عقاید دین یعنی ایمان به توحید، نبوت (درباره امامت یا شهادت ثالثه بعداً اشاره خواهد شد) و سرمایه گذاری برای معاد است که ضمن آن وقت اقامه ی نماز را نیز به آگاهی مردم می رساند تا آمادگی ورود به نماز یعنی معراج مؤمن را پیدا کنند.

در این نوشته مختصر، سعی شده است به «پیام فرهنگی اذان» پرداخته شود ولی موارد مفصل دیگری وجود دارد که در حد نیاز به آن اشاره گردیده است.

ص: ۱۲

۱- [۱] الفبای مورس قراردادی بصورت خط و نقطه (- و ۰) بود که از طریق وسایل مخابراتی (باسیم و بی سیم) از مبدأ مشخص به مقصد معینی فرستاده می شد و برای هر یک از حروف، ترکیبی از خط و نقطه بکار می رفت ولی با پیشرفت ارتباطات فعلاً منسوخ شده است.

کلمه ی اذان از ریشه «اذن» گرفته شده است که در فرهنگ واژه ها دارای معانی مختلفی است که اهم آن عبارتند از: دانستن میل و اراده پیدا کردن اجازه و دستور دادن اعلام کردن(۱).

از مجموع معانی اذان چنین برمی آید که مفهوم آن اغلب «اعلام توأم با موافقت و ایمان» می باشد و در اطلاق اذان به محتوای آن نیز چنین مفهومی متبادر به ذهن می‌گردد.

در کلام الهی قرآن مجید مصدر دیگری به معنای اذان به کار رفته است و آن کلمه «نداء» می باشد که معنای آن «آوا» و «آواز بلند» است(۲) و وقتی با کلمه «صلاه» همراه شود مفهوم خاص «اذان» به خود می گیرد(۳).

مجدداً یادآور می گردد: از مجموع معانی اذان چنین برمی آید که مفهوم آن «اعلام و طلب توأم با موافقت و اعتقاد» می باشد و در اطلاق «اذان» به آن چه محتوای آن است چنین مفهومی به نظر متبادر می گردد.

بنابراین می توان گفت در اذان مؤلفه های زیر وجود دارد: اعلام وقت نماز، اظهار ایمان شخصی گوینده (به: توحید نبوت ولایت و معاد) که در حقیقت به نمایندگی گروه کثیری می باشد، توصیه و امر دیگران به شتاب به سوی نماز، تشویق و ترغیب به رستگاری، امر به نیکوکاری و تأکید بر نماز به عنوان بهترین عمل نیک و تأکید مجدد بر عظمت و یکتائی حضرت حق (تکبیر و تهلیل).

ص: ۱۳

۱- [۱] - مفردات الفاظ القرآن _ (راغب اصفهانی): « و الاذن فی شیء: اعلام با اجازه و الرخصه فیه ای بارادته وامره بعمله: ولكن بين العلم والاذن فرق فان الاذن اخص ولا يكاد يستعمل اللفي ما، فیه مشيئاً به راضاً عند العمل ام لم يرض به ». و همچنین المنجد. ۲_ المنجد. ۳_ سوره مائده ۵۸ و سوره جمعه ۹.

بنابر روایات شیعه ۱ تعداد جملات اذان ۱۸ جمله می باشد که در کلمه ی «الله» محصور است:

الله اکبر (۴ بار) اشهد أن لا اله الا الله (۲ بار) _ اشهد أن محمداً رسول الله (۲ بار) حیّ علی الصلوه (۲ بار) _ حیّ علی الفلاح (۲ بار) _ حیّ علی خیر العمل (۲ بار) _ الله اکبر (۲ بار) _ لا اله الا الله (۲ بار).

توضیح آنکه: اشهد انّ علیاً ولی الله (یا حجه الله) تنها نزد شیعه امامیه استجاباً گفته می شود.

نزد اهل تسنن بنابر قول غالب تعداد جملات اذان ۱۵ جمله است زیرا: «حیّ علی خیر العمل» گفته ن می شود و «لا اله الا الله» در پای ان یکبار قرائت می گردد ولی در اذان نماز صبح به جای «حیّ علی خیر العمل» عبارت «الصلوه خیر من النوم» ذکر می گردد. (۱)۲

مأخذ جملات اذان

پس از هجرت حضرت ختمی مرتبت از مکه به مدینه با دعوت به اسلام، عده ای از اهالی مدینه به آن گرویدند و چون عده ای هم همراه پیامبر یا مقارن هجرت او از مکه به مدینه آمده بودند، جمع مسلمین رو به فزونی گذاشت (مهاجرین و انصار) و انبوه زیادی جهت ادای فریضه ی نماز حاضر می شدند. بنابراین جهت اطلاع رسانی به یک جمعیت زیاد ایجاب می کرد که وسیله مناسبی به کار گرفته شود.

ص: ۱۴

۱- ۱- وسایل الشیعه ج ۴ ص ۶۴۲ و ۶۴۳ باب کیفیه الاذان و الاقامه و عدد فصولها و جمله من احکامها. ۲- الفقه علی المذاهب الخمسه ج ۱ ص ۱۰۳.

با توجه به این که پیروان ادیان دیگر برای اعلام وقت عبادت هر یک شیوه و ابزاری را به کار می بردند؛ مثلاً: یهودیان از بوق و شیپور و مسیحیان از ناقوس استفاده می کردند، مسلمانان نیز ضرورت کاربرد وسیله ای را احساس می کردند و ای ن م موضوع در ن زد پیامبر (ص) نیز مورد شور و بحث قرار می گرفت.

درباره ی این که چگونه جملات اذان تشریح شد اقوال و روایات مختلفی ذکر گردیده است که می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد:

الف _ عده ای منشاء اذان را وحی الهی به وسیله ی انشاء آن توسط فرشتگان در معراج گفته اند.

ب _ دسته ای دیگر الهام جملات اذان را در رؤیا به بعضی از اطرافیان پیامبر (ص) نقل کرده اند.

ج _ دسته ی دیگری از روایات حاکی از این است که تشریح اذان در روی زمین به وسیله ی وحی به پیامبر (ص) در سال اول هجرت بوده است. ضمن این که انشاء آن توسط فرشتگان در معراج پیامبر (ص) را نیز رد نمی کنند.

حال هر یک از این سه دسته روایت مورد بحث قرار می گیرد:

ممکن است این سؤال مطرح شود که بالاخره واقعیت منشاء اذان واحد است؛ پس چرا روایات مختلف نقل شده است؟!

چنین به نظر می رسد و قرائن و شواهد نیز حاکی از این است که از ابتدای بعثت حضرت نبی اکرم (ص) مخالفت ها و کارشکنی ها به اشکال مختلف به وسیله ی کفار معاند یا منافقین در راه پیشبرد دعوت آن حضرت و توسعه ی گرایش افراد به اسلام ایجاد می شد و پاره ای از این مخالفین که مبارزه مستقیم و حمله از روبرو و آشکار را کارآمد نمی دیدند حیل های نفاق افکنانه ای به کار می بردند تا شاید خللی در ایمان گروندگان به اسلام پدید آورند. بعضی از این نیرنگ ها به صورت نقل روایات دروغ و بی پایه بود. هر چه از زمان بعثت

دور شویم این گونه روایات را بیشتر مشاهده می کنیم. مثلاً گفته اند که ابن ابی العوجاء بیست و پنج هزار روایت ساختگی منتشر کرده است.

البته علمای روایت سعی وافر در تشخیص صحت روایات و جدا کردن درس‌ت از ن_ادرست آن ک_رده ان_د ولی یکی از ابزارهای این تش_خ_یص را م_ی توان حجت «عقل» یعنی عقل قطعی عقلا دانست.

اما شرط قبول این حجت این است که استدلال منطقی و عقلانی و نتیجه گیری از آن در تضاد با نص و روایات مسلم از قول معصومین (ع) نباشد زیرا عقل بشر و علم انسان کامل نیست.

به هر حال قول اوّل فوق الذکر درباره منشأ تشریح اذان (انشاء اذان به وسیله فرشتگان در معراج) گرچه عقلاً مردود به نظر نمی رسد اما با نگرش به این که زمان معراج مذکور در سوره ی اسراء قبل از هجرت بوده است. (اولین آیه سوره ی مبارکه «اسراء» محققاً قبل از هجرت نازل گردیده است.) زیرا سوره ی اسراء و به ویژه آیه ی اوّل آن بنا بر نظر عالمین علوم قرآنی اعم از عامه و امامیه پنجاهمین سوره ی مُنزل در مکه بوده و بعد از این سوره، ۳۶ سوره دیگر نیز در مکه نازل شده است (۱).

بنابراین اطلاع و علم پیامبر (ص) نسبت به جملات اذان قبل از تاریخ تشریح آن (یعنی سال اوّل هجرت) می باشد و چون بنا بر آنچه در روایات ذکر شده در ابتدای هجرت، مسلمانان در نزد پیامبر (ص) درباره نحوه ی اعلام وقت نماز به شور و بحث می پرداخته اند و انحاء مختلف اعلام وقت عبادت را در ادی_ان دی_گر با ذک_ر ش_ی_وه ها و ابزار گوناگون مورد بررسی و گفتگو قرار می داده اند؛ نشان دهنده آن است که شاید خود پیامبر (ص) از مفهوم و

ص: ۱۶

۱- [۱] _ علمای الازهر و سایر علمای قرآنی مندرج در قرآن چاپ مصر از المطبعه الامیریه به سال ۱۳۳۷ ه_ ق و سایر مدارک عامه و همچنین التمهید فی علوم القرآن تألیف مرحوم ایت ... معرفت از علمای شیعه و سایر منابع.

محتویات اذان در معراج اطلاع یافته ولی مجاز به اظهار آن نبوده اند. در هر حال بنابر دلایل عقلی و نقلی منافات و تضادی بین القاء جملات اذان در معراج و انزال وحی در سال اول هجرت وجود ندارد (مانند نزول قرآن: دفعی و تدریجی)

درباره قول دوم (رؤیای بعضی از اصحاب پیامبر(ص)) چنین حکایت کرده اند که عبدالله بن زید بن عبدربه از انصار در رؤیا کلمات اذان به او القا شده و پس از این که رؤیای خود را برای پیامبر(ص) و اصحاب نقل کرد پذیرفته شد که برای اعلام وقت نماز، اذان گفته شود. عده ای هم نقل کرده اند که عمر آن را در خواب (۱) دید و گروهی هم نقل کرده که بلال در رؤیا اذان را فراگرفت.

این روایات عمدتاً در بعضی از کتب عامه ذکر شده ولی نه تنها به وسیله راویان امامیه مورد قبول قرار نگرفته و رد شده است بلکه بعضی از راویان اهل سنت هم تشریح اذان بر مبنای رؤیای صحابه را نپذیرفته اند.^۱

اما از نظر استدلال عقلی و منطقی به چند نکته اشاره می شود:

ص: ۱۷

۱-۱- درباره اینکه بعضی از راویان و فقهای اهل تسنن نیز تشریح اذان بر مبنای رؤیا را نپذیرفته اند مطالب بسیاری نوشته شده که به دو نکته اشاره می گردد: الف: روایات منقول از صحابه: السیده عاشیه مرفوعاً عنه (ص): «لَمَّا اسرى بى اذن جبرئيل فظنت الملائكة انه يصلى بهم، فقد منى فصليت» ايضاً: عبدالله بن عمر كما فى حديث ابنه سالم عنه قال: لَمَّا اسرى بالنبي صلى الله عليه (واله) و سلم اوحى الله اليه الاذان منزل به فعلمه بلالا- (اخرجه الطيراني كما فى الفتح البارى ۲/۲۱۸). ايضاً: انس بن مالك قال: ان جبرئيل امر النبي صلى الله عليه (واله) و سلم بالاذان حين فرضت الصلوه (اخرجه الدار قطنى فى الاطراف) (كتاب حى على خير العمل ۵۱ و ۵۲). ب: من جمله دو نفر از راویان معروف: بخاری و مسلم در المستدرک احادیث رؤیا را نقل نکرده اند بلکه در مستدرک (به نقل از شعبان بن لیل از امام حسین (ع)) آمده است که تشریح اذان با خواب سخیف می باشد (المستدرک للحاکم ۴/۳۴۸ کتاب الفرائض).

الف _ اهمیت اذان در رابطه با نماز: اذان به عنوان فراخوان مؤمنین به نماز که ستون دین شمرده شده چگونه ممکن است بر مبنای رؤیای فرد یا افرادی (غیر از انبیاء و اولیای الهی) تشریح شود و این منطقی در شأن چنین امر مهمی نمی باشد.

ب _ اهمیت اذان با توجه به شأن اعلامی آن: با توجه به اهمیت اعلامی اذان چگونه می توان پذیرفت که مبنای آن وحی الهی به پیامبر(ص) نبوده است و موکول به رؤیای یک یا چند نفر باشد.

ج _ مشورت جانشین وحی نمی شود: گرچه پیامبر اکرم (ص) در امور مختلف با اصحاب خود مشورت می کردند و طبق فرموده قرآن نیز مردم در امور خود به شور و رایزنی دعوت شده اند؛ ولی این رویه مانند سایر شیوه های آن حضرت ضمن اهمیت دادن به شور و مشورت در امور اجتماعی، جنبه آموزشی نیز برای مؤمنین دارد، نه نیاز آن حضرت به کسب علم از سایرین؛ زیرا با اتصال آن حضرت به مبدأ وحی و علم لدنی (شهر علم)، نیازی به کسب نـظـر و اسـتـفـادـه از مـعلـومات دیگران وجود نداشت_ه است و به ویژه چگونه می توان پذیرفت که چنین امر مهمی که تا قیام قیامت پایدار خواهد ماند و دالانی برای ورود به نماز یعنی ستون دین می باشد از مبدأ و منبع وحی حق تعالی اخذ نشده باشد.

د _ حجت رؤیا در تشریح: در مورد حجت بودن رؤیا آن چه از مآخذ نقلی و عقلی برمیاید تنها رؤیای انبیاء (و احیاناً اولیای بسیار مقرب مانند ائمه معصومین (ع)) می تواند ملاکی در امر و نهی در اعمال خود آن ها باشد (مانند خواب حضرت ابراهیم و خواب حضرت یوسف (ع)) ولی به فرموده قرآن کریم که پیامبر(ص) هیچگاه از روی هوی و هوس و میل شخصی غیر الهی

سخن نخواهد گفت، به طریق اولی نظر دیگران یا رؤیای غیر را اگر منطبق بر وحی نباشد نخواهد پذیرفت. ضمناً حجت تشریح تنها: کتاب، سنت، اجماع و عقل ذکر شده است و رؤیا در این زمینه حتی رؤیای پیامبران هم محلی از پذیرش ندارد.

هـ _ _ جملات آسمانی: جملات اذان و ترتیب قرار گرفتن آن ها، آن چنان منطقی، فصیح، گویا، اثربخش، قاطع، نافذ و دربرگیرنده ی مفاهیم وسیع است که شاید قبل از تشریح آن به فکر هیچ بنده ای نرسیده باشد؛ بنابراین انتساب آن ها به رؤیا غیر قابل قبول است.

آن چه از مجموع روایات و احادیث و خصوصیات و شرایط و خود جملات اذان مستفاد می گردد این است که اذان بنا بر دستور حق تعالی بر پیامبر اکرم (ص) تشریح شده و جملات آن نیز بر مبنای وحی است.

بنا بر روایات مستند و متقن امامیه، اذان از سال اول هجرت در روی زمین تشریح گردید، چنان که در روایتی در وسائل الشیعه (۱) و منابع دیگر نقل گردیده که مفاد آن چنین است: «جملات اذان از طرف خداوند بر پیامبر نازل شده، در حالی که حضرت علی (ع) هم حضور داشته و سپس جملات به بلال اولین اذان گوی اسلام آموزش داده شده است. بعد از آن رسول اکرم (ص) به بلال دستور می فرمایند «ای بلال چون وقت نماز فرا رسید به بالای دیوار (بام) برو و با صدای بلند اذان بگو (۲)».

ص: ۱۹

۱- [۱] _ وسائل الشیعه ج ۴، ص ۶۱۲ _ فروع کافی ج ۳ ص ۳۰۲ _ من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۸۲.

۲- [۲] _ فروع کافی، ج ۳ ص ۳۰۷.

به طور خلاصه نتیجه گیری می شود که اصل اذان و جملات آن بر مبنای وحی الهی است و هر گونه تبدیل و تعبیر و تفسیر دیگری مغایر عقل و منطق و متضاد با روایات مستند می باشد و هر تغییر و جابجایی یا حذف و اضافه کردن آن منافی دلائل عقلی و نقلی است و بدعت می باشد. در این زمینه شرح مفصلی در کتاب «حی علی خیر العمل» نوشته «السید محمد مهدی السید حسن الموسوی الخراسان» به زبان عربی آورده شده است که مستنداً هر گونه تبدیل و تغییر در کلمات اذان به عنوان بدعت تلقی گردیده و در اثبات این ادعا از آیات قرآن و روایات معتبر بهره گرفته شده است. اضافه می نماید که برای رسول الله (ص) مؤذن دیگری به نام «ابن امّ مکتوم» بود که کور بود و اذان صبح را قبل از ورود در وقت می گفت، ولی بلال بعد از وارد شدن در وقت. پیامبر (ص) می فرمود: «ابن امّ مکتوم» اذان را در شب (قبل از طلوع فجر) می گوید پس هر گاه صدای او را شنیدید می توانید هنوز هم بخورید و بیاشامید تا صدای اذان بلال را بشنوید. (مربوط به ایام روزه داری) (۱)(۲)

ص: ۲۰

چنان که اشاره شد در این نوشته تکیه اصلی بر این است که «اذان» علاوه بر یک وسیله ی اعلام وقت که با استفاده از وسایل دیگر نیز از قبیل و سایل نوری و صوتی امکان پذیر است؛ «پیام فرهنگی» مهمی را به همراه دارد که در سایر وسایل موجود نیست. این ویژگی مهم در هیچ یک از ادیان دیگر و یا وسایل اعلان و اعلام دیده نمی شود و مخصوص اسلام است که در اذان موجود می باشد^۱.

پیام فرهنگی اذان هم شامل زمینه عقیدتی (ایدئولوژیک) یا «عبادت نظری» و هم حاوی دستورات حکمی و اجرایی یا «عبادت عملی» می باشد. این پیام در جملات ملکوتی اذان نهفته است و هر یک از این جمله ها به نوبه خود تأثیر معنوی و عملی خاصی در شنونده ای که در آن تدبیر کند برجای می گذارد.

سه جمله ی اول اذان و دو جمله ی آخر آن (الله اکبر_ اشهد ان لا اله الا الله - اشهد ان محمداً رسول الله اکبر_ لا اله الا الله) بیشتر جنبه عقیدتی دارد و نمود اصول اعتقادی گوینده و همفکران او می باشد و جمله ی استجابی «اشهد ان علیاً ولی الله» نیز بیان کننده ایمان به مداومت رسالت بوسیله ی ولایت است

که به عقیده شیعیان جزء لاینفک مراحل تکاملی انسان به سوی خداست. زیرا اولیاء بعد از رسول(ص) (ائمه اطهار علیهم السلام) نه فقط خود اسوه و نمونه ی بارز انسان کامل بوده اند، بلکه همچنین کردار و گفتار آن ها راهنما و هدایت کننده ی انسان های دیگر در این مسیر به سوی کمال علمی و عملی و عرفانی است. آن چه از مظاهر شیوه ی زندگی ائمه ی معصومین(ع) در تاریخ به جا مانده و همچنین در روایات و احادیث معتبر نقل شده از قول آن ها (علیهم السلام) به وضوح مؤید این ادعا می باشد که ولایت، دنباله ی سیر رسالت به سوی کمال است.

مهمترین دلیل نقلی درباره ی حقانیت ولایت، آیات قرآن و روایات معتبر متناسب با آن است، از آن جمله:

الف- سوره آل عمران آیه ۶۱ (آیه مباهله): «... فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نساائنا و نساائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل...»

در تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۷۶ چنین آمده است: «غالب مفسران و محدثان شیعه و اهل سنت تصریح کرده اند آیه مباهله در حق اهل بیت پیامبر(ص) نازل شده است. و پیامبر تنها کسانی را که همراه خود به میعادگاه برد فرزندانش حسن و حسین(ع) و دخترش فاطمه(س) و علی(ع) بودند. بنابراین منظور از «ابنائنا» در آیه منحصرأً حسن و حسین «علیهما السلام» هستند همان طور که منظور از «نساائنا» فاطمه «سلام الله علیها» و منظور از «انفسنا» تنها علی «علیه السلام» بوده است و احادیث فراوانی در این زمینه نقل شده است.»

ب _ سوره مائده آیه ۳: «الیوم یتس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون. الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً...»

در تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۳۴۲ به بعد نقل گردیده است:

«...در اینجا احتمال دیگری نیز هست که تمام مفسران شیعه آنرا در کتب خود آورده اند و روایات متعددی آن را تأیید می کند، و با محتویات آیه کاملاً سازگار است و آن این است که: منظور از الیوم (امروز) «روز غدیر خم» است؛ روزی که پیامبر اسلام (ص) امیرمؤمنان علی (ع) را رسماً برای جانشینی خود تعیین کرد. آن روز بود که کفار در میان امواج یأس فرورفتند...

و در این روز بود که آیین اسلام به تکامل نهایی خود رسید...

آن روز بود که نعمت خدا با تعیین رهبر لایقی همچون علی (ع) برای آینده ی مردم کمال یافت و نیز آن روز بود که اسلام با تکمیل برنامه هایش به عنوان آیین نهایی از طرف خداوند پذیرفته شد.

ج _ سوره مائده آیه ۶۷: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس إن الله لا يهدي القوم الكافرين»

در تفسیر نمونه ج ۵ از صفحه ی ۱۳ به بعد به طور مفصل درباره ی این آیه و شأن نزول آن بحث شده است و مستنداً نتیجه گیری می شود که منظور از این «ابلاغ»، بیان جانشینی و ولایت حضرت علی (ع) به جای پیامبر اکرم (ص) بعد از رحلت است و حدیث معروف ولایت حضرت علی (ع) مربوط به همین روز (غدیر خم) است که رسول خدا (ص) فرمود « من كنت مولاه فعلي مولاه» و این سخن را سه یا چهار بار تکرار فرمود و به دنبال آن سر به سوی آسمان بلند کرده و می گوید:

«اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه و أحب من أحبه و أبغض من أبغضه و انصير من نصره و اخذل من خذله و أدِر الحق معه حيث دار» گرچه این روایت مورد قبول اکثر قریب به اتفاق روات اهل تسنن و به طریق اولی راویان شیعه می باشد و اصل روایت غیر قابل انکار است ولی بعضی از اهل تسنن در

معنای «ولی» محدودیت قایل شده و آن را به «دوستی» ساده تعبیر کرده اند. اما این برداشت با توجه به شرایط آن روز و به ویژه اهمیتی که موجب شده پیامبر اکرم (ص) به چنین صورتی این موضوع را بیان و ابلاغ کند، ساده انگاری و دور از واقعیت به نظر می رسد و منظور حضرت قطعاً موضوع بسیار مهم تری از ابلاغ «دوستی» نسبت به خود و تسری آن دوستی نسبت به حضرت علی (ع) بوده است و حقیقت امر را باید در معنای وسیع و جامع «مولا» جستجو کرد که شامل: سرپرستی، حاکمیت، صاحب اختیاری، برتری، بزرگتری، پیشوایی و... و دوستی می باشد و ناشی از مأموریت از جانب خداوند است.

د _ آیه ۲۳ سوره شوری: «... قل لا أسئلكم عليه أجراً إلا المودة فی القربى...»

خداوند در این آیه صراحتاً دستور فرموده که پیامبر اعلام کند تنها در خواست آن حضرت در مقابل رسالت پربرکت و هستی بخش پیامبری، تنها دوستی و احترام (و بالنتیجه پیروی و متابعت) اهل بیت علیهم السلام می باشد. لازم به یادآوری است که این درخواست به هیچ وجه جنبه احساسات شخصی و عواطف خصوصی پیامبر را نداشته (ماینطق عن الهوی) و همان طوری که در متن آیه آمده مسلماً در اجرای دستور الهی و تبعیت از آن بوده است. (دستور: قُل) (۱)

ه _ حدیث معروف «ثقلین»: که مورد قبول مسلمانان می باشد صراحت غیرقابل انکاری درباره ی اطلاق اهل بیت پیامبر (ع) به عنوان وجود گرانمایی که به همراه قرآن از طرف رسول اکرم به جا گذاشته شده است، دارد و می فرماید:

«انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتی»

ص: ۲۴

۱- [۱] _ در تفسیر نمونه ج ۲۰ از صفحه ۴۲۹ به بعد مفصلاً درباره این آیه و تفسیرهای شیعه و اهل سنت بحث شده است.

در هر صورت همان طور که شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت بطور ضمنی در برگیرنده ی شهادت و ایمان به رسولان پیشین نیز می باشد و در آیات چندی از قرآن کریم هم اعتقاد به پیامبری رسول اکرم(ص) مصرحاً همراه با ایمان به رسل قبل از او آورده شده است؛ ایمان به ولایت اهل بیت(ع) بعد از پیامبر بنا بر دلایل و مستندات نقلی و عقلی ادامه و تضمین کننده پایداری اثرات و نتایج رسالت پیامبر اکرم(ص) می باشد.

بنابراین اعم از این که شهادت ثالثه در اذان گفته شود و یا نشود، مفهوم آن جزء لاینفک ایمان به خدا و پیامبر(ص) خواهد بود و غیر از آن بدعت و انحراف از دین خدا است.

شرح پیام

اینک به لطف خدا هر یک از جملات اذان و پیام فرهنگی که در آن مستتر است بطور جداگانه مورد تحلیل قرار می گیرد:

الله اکبر

(الله بزرگتر است):

«الله» اسم مخصوص خداوند است که هیچ کلمه ای یا اسمی را در هیچ زبانی نمی توان جانشین و ترجمه ی کامل آن دانست و حتی در زبان های دیگر غیر از زبان عربی بهتر است به همان صورت «الله» نوشته و نقل شود.

الله انحصاراً به ذات اقدس الهی اطلاق می گردد و برای هیچ موجود دیگری به کار نمی رود و برگیرنده ی کلیه ی صفات جلال و جمال حضرت باری تعالی است که عین ذات اوست.

اسامی دیگر مانند «الاه» به صورت جمع بکار رفته است: «آلهه» یا «خدا» در فارسی «خدایان» یا «god» در انگلیسی جمع بسته می شود «gods» که اگر با حرف بزرگ شروع یا نوشته شود «God» منظور «خداوند یکتا» می

باشد، یا در زبان های دیگر هم به همین ترتیب. ولی کلمه ی «الله» نه مسمای دیگر دارد و نه جمع بسته می شود(۱).

«اکبر» (صفت تفضیلی بر وزن افعال) به معنای بزرگتر است.

در جمله ی «الله اکبر» منظور مقایسه ی «الله» با شخص یا شیء دیگری نیست که گفته شود خدا از آن بزرگتر است چون هیچ ذی وجودی قابل مقایسه با ذات باری تعالی نیست و خداوند «سبحان الله عما یصفون» و «الله اکبر من أن یوصف» است. بلکه مفهوم آن این است که پروردگار عالم از هر چه برای ما قابل تصور یا حتی غیر قابل تصور هم باشد برتر و بزرگتر است.

سعدی علیه الرحمه می فرماید:

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم از آنچه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم

مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اوّل وصف تو مانده ایم

یکی از ریاضی دانان معاصر هنگام تشریح عدد بی نهایت (∞) و نکات مربوط به آن، در پایان سخن خود بیان داشت: «و اگر کسی معتقد به خدا باشد، خدا همین بی نهایت است»(۲)

در واقع «الله» بی نهایت مطلق است و اذان در اولین کلام با «الله اکبر» آغاز می گردد که سرچشمه معرفت حق جلّ و علا می باشد.

گوینده ی اذان اساس اعتقاد و ایمان خویش و هم کیشان خود را درباره ی شناخت خالق و عالم خلقت و به عبارت دیگر «شناخت وجود» با «الله اکبر» شروع و در ادامه با سایر جملات اذان بیان می کند.

ص: ۲۶

۱- [۱] - ریشه لغوی الله را بعضی از آله به معنای پرستش و برخی از «وَلَهُ» به معنای تحیر و سرگردانی دانسته اند (المیزان ج ۱ ص ۳۱).

۲- [۲] - پروفیسور محسن هشترودی، ریاضی دان جهانی و استاد ممتاز دانشگاه تهران در کلاس درسی که نویسنده شخصاً در آن شرکت داشت این مطلب را بیان نمود .

کسی که معتقد به مفهوم واقعی «الله اکبر» باشد: هیچ عامل دیگری را مؤثر در گردش عالم و سرنوشت موجودات و تغییر و تحول در پدیده‌ها و بالنتیجه مؤثر در سرنوشت خود نمی‌داند و تمام عوامل را به عنوان وسیله و ابزاری که خداوند خلق فرموده است تلقی می‌کند.

«الله اکبر» اولاً- بیان‌کننده وجود «الله» و ثانیاً بزرگی اوست که هیچ‌گونه محدودیتی ندارد؛ بنابراین در «الله اکبر» می‌توان مؤلفه‌های زیر را مشاهده کرد:

الف: «وجود الله» ب: «بزرگی الله» در جهت ایجابی و ج: «عدم محدودیت الله» از جهت سلبی: نفی حدود و خارج از آن چه در حیطه علم و تصور و تخیل و تجسم و توهم و بیان و اظهار و ارائه و احساس و لمس و درک و تعقل و ورود به دایره معرفت هر موجود (به ویژه انسان) نسبت به اوست (صفات وجودی و صفات عدمی).

البته این عدم محدودیت مانع از آن نخواهد شد که هر کس در حدّ استعداد و امکان و شرایط خود در معرفت نسبت به «الله» کوشش کند ولی مسلم است که معرفت محدود است (۱) و «الله» بی‌نهایت. پس هیچگاه معرفت کامل میسر نمی‌گردد و حتی درباره‌ی پیامبران و به ویژه پیامبر اسلام (ص) معرفت نسبت به «الله» در حدّی است که خداوند اراده و اعطا فرموده است. ولی به هر حال امکان سیر انسان در معرفت الهی به سوی بی‌نهایت از او گرفته نشده است.

درباره‌ی «الله اکبر» توضیحات بیشتری در دنباله‌ی جمله‌ی بعدی اذان (اشهد ان لا اله الا الله) و در پیوستگی با آن بیان خواهد شد.

ص: ۲۷

(شهادت می دهم که خدائی جز الله نیست)

گوینده اذان به وسیله ی این عبارت عقیده و ایمان خود را درباره ی یگانگی و توحید حضرت حق اعلام می دارد.

شهادت دادن چنان که معمول عرف است (به ویژه در مراجع قضایی) درباره ی عمل یا شیء یا شخصی است که شهادت دهنده، آن را با چشمان خود مشاهده کرده یا به آن در حد دیدن، اطمینان، ایمان و علم داشته و دارای یقین عینی باشد. (۱)

حال این سوال مطرح می شود که آیا گوینده ی این جمله چگونه و با کدام چشم وقوه ی بینائی خداوند را دیده و به یگانگی او ایمان پیدا کرده است؟

سالک راه معرفت همواره به سوی شهود گام بر می دارد و سالکان در این راه درجات و مراتب مختلف و متفاوتی دارند و هر یک تا حدی محدود بنابر تلاش و استعداد خود در یکی از کلاسهای مدرسه ی عرفان قبول می شود.

شخصی از حضرت علی(ع) درباره ی دیدن خدا سؤال کرد، آن حضرت فرمودند: «خدایی را که نمی بینم عبادت نمی کنم» (۲)

حال این سوال پیش می آید که آیا همه ی گویندگان «اشهد ان لا اله الا الله» به درجه ی عرفان و شهود حضرت علی(ع) رسیده اند؟ یا بیان این جمله را بعضی (یا شاید اکثراً بل اکثر هم لا یعقلون) بدون تفکر و رسیدن به

ص: ۲۸

۱- ۱ - شهادت مصدر است و در لغت به معانی مختلفی آورده شده است: آگاه بودن درک کردن گواهی دادن دریافتن ادراک یقین آشکار بودن سوگند خوردن دیدن حاضر بودن کشته شدن در راه خدا المنجد.

۲- ۲- امالی صدوق ج ۱ ص ۲۸۱ قال علی(ع) لذعلب لَمَا سألَهُ عن رؤيته ربه: ويلك يا ذعلب: لم اكن أعبد رباً لم اره . قال: كيف رأته؟ صف لنا: قال(ع): ويلك! لم تره العيون بمشاهده الابصار ولكن رأته القلوب بحقائق الايمان .

درجه ای از عرفان حق تعالی، فقط با زبان خود بیان می کنند و در عمق اندیشه به مفهوم آن توجه ندارند؟

پاسخ آن را می توان چنین گفت که انسان فطرتاً خداجو می باشد و حتی آنهایی که خود را پیرو فلسفه های مادی و الحادی می دانند در لحظاتی متذکر وجود خدا می شوند.

چنان که اولین فضانورد شوروی سابق که از ابتدای زندگی در محیطی پرورش یافته بود که فلسفه ی ماتریالیسم دیالکتیک بر آن حکم فرما بود، وقتی با سفینه ی مه نورد به کره ی ماه رسید، ناگهان فریاد زد: «آه خدایا».

و همچنین گورباچف آخرین دبیر کل حزب کمونیست شوروی سابق (بر مبنای فلسفه ی ماتریالیسم دیالکتیک) در یکی از آخرین سخنرانی های خود به عنوان دبیر کل از تریبون حزب از خدا یاد کرد (جراید آن زمان)

هر چند انسان به پدیده های جهان هستی بیشتر دقت کند و به اسرار آفرینش بیاندیشد وجود و عظمت خدا را بیشتر درک می کند. آن پیر زنی که با چرخ خود ریسمان می ریسد وقتی درباره ی خدای مورد سؤال واقع می شود دست از گداندن چرخ برمی دارد و می گوید: این گونه خدا را می شناسم که اگر من این چرخ را نچرخانم از حرکت می ایستد پس چگونه چرخ این جهان بدون نیروی محرکه ای می چرخد؟

از یک بیسواد عامی تا یک دانشمند نابغه که هر یک به درجات مختلف نسبت به پدیده های جهان آگاهی دارد، به نسبت فهم و درک خود خدا را می شناسد و میزان و نوع و درجه ی عرفان هر یک با دیگری متفاوت است. (۱)

ص: ۲۹

شبان در داستان موسی و شبان(۱) به یک نحو و حضرت موسی(ع) یا حضرت ابراهیم(ع) به نحو دیگری. (و کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض و یکون من الموقنین). (۲)

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که در جواب شخصی که سوال کرده بود خدا را چگونه می شناسید؟ فرمودند: ای بنده ی خدا، آیا هرگز کشتی سوار شده ای؟ عرض کرد: آری فرمودند: آیا هرگز کشتی تو شکسته است، در آن جا که هیچ کشتی دیگری برای نجات تو نبوده و قدرت بر شناگری نداشته ای؟ عرض کرد: آری فرمودند: در آن حالت آیا قلب تو به این امر تعلق گرفت که وجودی هست که می تواند تو را از آن مهلکه نجات دهد؟ عرض کرد: آری _ فرمودند: او خداوندی است که قادر بر نجات است در آن جا که هیچ نجات دهنده ای و فریاد رسی نیست. (۳)

«الله اکبر» و «لا اله الا الله» دو بال معرفت الهی هستند که تسبیح و حمد الله را در بر دارند: در «الله اکبر» اثبات وجود و بزرگی «الله» است که حمد او می باشد و نفی محدودیت خدا است که تسبیح اوست.

در «لا اله الا الله» نفی هر معبود دیگری است که تسبیح است و «اثبات الوهیت» او که حمد است تا آنجا که گفتن (توأم با ایمان) این جمله، موجب رستگاری خواهد شد «قولوا لا اله الا الله تفلحوا».

ص: ۳۰

۱- [۱] - مولوی: دیدموسی یک شبانی را به راه کو همی گفت ای خدا وای الاه

۲- [۲] - سوره انعام آیه ۷۵: و این چنین ملکوت آسمان ها و زمین (و حکومت مطلقه ی خداوند بر آن ها) را به ابراهیم نشان دادیم (تا به آن استدلال کند) و اهل یقین گردد.

۳- [۳] - شیخ صدوق: توحید باب ۳۱ ص ۲۳۱ حدیث ۵ _ تفسیر نمونه ج ۱۶ ص ۳۶۰، نقل از بحارالانوار ج ۳ ص ۴۱ _ و معانی الاخبار باب معنی الله حدیث ۲ ص ۴.

بنابراین در «لا اله الا الله» نیز همچون «الله اکبر» صفت وجودی و صفت عدمی حضرت باری تعالی وجود دارد.

خلاصه این که هر فرد در حد فهم و شعور و درک و تجربه و تحصیل و استعداد خود می تواند به درجه ای از شهود و معرفت الهی برسد و وظیفه دارد در پیشرفت و ارتقاء در این راه، یعنی سلوک در معرفت حق تعالی تلاش کند و در هر حال با سعی در رسیدن به کمال شناخت در حد خود «ایمان و اعتراف به وجود و بزرگی «الله» داشته و «شهادت به یگانگی» او بدهد. «الله اکبر و اشهد أن لا اله الا الله»

این معرفت نه تنها از طریق کسب علوم عرفانی و تلمذ در محضر اساتید حاصل می شود بلکه با مشاهده ی دقیق اشیاء و پدیده های اطراف ما که معمولاً به دیدن آن ها عادت کرده ایم نیز به دست خواهد آمد و هر چه این دقت و هوشیاری و تدبر را زیادتر انجام دهیم در راه معرفت الهی بیشتر خواهیم رفت.

برگ درختان سبز در نظر هوش یار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

بنابراین شرط رسیدن به معرفت الهی هوشیار بودن است. «المؤمن کیس عاقل»^(۱)

اشهدان محمداً رسول الله

(شهادت می دهم که محمد (ص) رسول خداست)

شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت (ص) در ظل شهادت به «توحید الهی» است و در حقیقت می توان گفت که زیر مجموعه ی «اشهد ان

ص: ۳۱

۱- [۱] غرر الحکم ۷۱۴ تألیف علامه آمدی منسوب به حضرت علی (ع) ترجمه سید حسن شیخ الاسلام ص ۱۳۲

لا اله الا الله» است و در عین حال متضمن و در بر گیرنده ی شهادت به رسالت و نبوت انبیای پیشین نیز می باشد(۱).

به همان نحوی که ایمان راسخ (مانند دیدن عینی یک مشهود) به وجود و یگانگی خداوند در رأس اعتقاد به هر دین توحیدی قرار دارد، ایمان به رسالت حضرت محمد(ص) نیز از اساس عقیده و ایمان به اسلام در مرحله ی بعد از توحید می باشد.

حد اعلای مراتب اعتقادی گوینده «اشهد ان محمداً رسول الله» رسیدن به شهود نبی اکرم(ص) است.

آن چنان که بنابر روایات متعدد، حضرت علی(ع) در بعضی از موارد خود شاهد بر نزول وحی بر پیامبر(ص) بودند (مثلاً درباره نزول اذان).

هر فرد مسلمان به موازات سعی در رسیدن به ایمان راسخ و نفس مطمئنه در توحید الهی بایستی به رسالت نبی اکرم(ص) نیز به مرز اطمینان کامل نزدیک تر شود تا در نهایت به آن برسد.

در عین حال اعتقاد و اطمینان به رسالت حضرت ختمی مرتبت(ص) متضمن و در بر گیرنده اعتقاد به کل آیات قرآن کریم به عنوان وحی منزل از طرف خداوند به پیامبر(ص) می باشد و این اعتقاد تجزیه پذیر نیست و نباید به بعضی آیات قرآن ایمان داشت و برخی را باور نداشت (یؤمنون ببعض و یکفرون ببعض)(۲).

شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت تنها محدود به رسالت خود پیامبر(ص) نیست بلکه ایمان و اعتقاد به حلقه ی اتصالی را شامل می شود که آن

ص: ۳۲

۱- ۲- سوره بقره آیه ۲۸۵: آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لانفرق بین احد من رسله

۲- ۱- بقره ۸۵: افتوءمنون ببعض الكتاب و تکفرون ببعض...

حضرت به طور شاخص و برجسته در بین رشته ای است که پیامبران سلف(ع) قبل از آن حضرت قرار گرفته اند و ولایت معصومان در دنباله ی آن تا حضرت حجت علیهم السلام.

در اسلام همه ی پیامبران قبل که ۲۵ نفر آنان نیز در قرآن نام برده شده اند مورد قبول می باشند.(۱)

روایت متقن و مورد قبول همه مسلمانان از قول پیامبر(ص): «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» و آیه ی قرآن که اهل بیت را معصوم دانسته است. و فرمایش رسول اکرم(ص): «من دو چیز گران بها را در بین شما باقی می گذارم: «قرآن و عترت»(۲) و بسیاری مستندات دیگر بر ولایت ائمه اطهار(ع) دلالت دارد.

اشهد أنّ علياً وليّ الله

(شهادت می دهم که علی (ع) ولی الله است)

گرچه این شهادت در زمره ی عبارات و جملات اذان به عنوان جمله ی اصلی نیامده است ولی پیروان تشیع تیمناً و استحباباً آن را بعد از شهادت به رسالت نبی اکرم (ص) ذکر می کنند.

ص: ۳۳

۱- ۲- اسامی پیامبران نام برده شده در قرآن: ۱- حضرت آدم (ع) آل عمران ۳۳، ۲- حضرت نوح (ع) نساء ۱۶۳، ۳- حضرت ابراهیم(ع) نساء ۱۶۳، ۴- حضرت اسماعیل (ع) نساء ۱۶۳، ۵- حضرت اسحاق (ع) نساء ۱۶۳، ۶- حضرت یعقوب (ع) نساء ۱۶۳، ۷- حضرت عیسی (ع) نساء ۱۶۳، ۸- حضرت ایوب (ع) نساء ۱۶۳، ۹- حضرت یونس (ع) نساء ۱۶۳، ۱۰- حضرت هارون (ع) نساء ۱۶۳، ۱۱- حضرت سلیمان(ع) نساء ۱۶۳، ۱۲- حضرت داوود (ع) نساء ۱۶۳، ۱۳- حضرت یوسف (ع) غافر ۳۴، ۱۴- حضرت موسی (ع)مریم ۵۱، ۱۵- حضرت زکریا (ع) انعام ۸۵، ۱۶- حضرت یحیی (ع) آل عمران ۳۹، ۱۷- حضرت الیاس (ع) صافات ۱۲۳، ۱۸- حضرت یسع (ع) انعام ۸۶، ۱۹- حضرت لوط (ع) صافات ۱۳۳، ۲۰- حضرت ادريس (ع) مریم ۵۶، ۲۱- حضرت ذوالکفل (ع) انبیاء ۸۵، ۲۲- حضرت هود (ع) هود ۵۰، ۲۳- حضرت صالح (ع) نمل ۴۵، ۲۴- حضرت شعيب (ع) اعراف ۸۵، ۲۵- حضرت عَزِيز (ع) توبه ۳۰، ۲۶- حضرت محمد (ص) فتح ۲۹.

۲- [۲] روایت ثقلین: انی تارکُ فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی.

با توجه به این که خداوندی که انسان را آفریده هرگز به او ظلم نخواهد کرد و او را بدون راهنما و در گمراهی رها نمی کند، با این که اختیار انتخاب به او داده است همواره راهنمایی و هدایت نیز فرموده است.

این هدایت (تشریحی) به وسیله ی پیامبران الهی قبل از حضرت محمد(ص) در زمانها و شرایط مختلف انجام گرفته و با بعثت نبی اکرم(ص) از نظر اصول عقاید و دستورات و تکالیف و احکام به مرحله ی کمال رسیده است. اما با پیشرفت علم انسان، که آنهم ملهم از هدایت الهی و زیر مجموعه ی علم مطلق حضرت باری تعالی است، و تغییر شرایط زمان و مکان، این اصول نیاز به تبیین و تطبیق با شرایط دارد که باز هم نیاز به هدایت است.

حال این هدایت جامعه ی بشری درباره ی تفسیر و کاربرد وحی کامل شده ی حضرت حق به وسیله ی چه کسانی باید انجام شود؟ عقلاً و منطقیاً به وسیله ی کسانی که شایستگی این راهنمایی و تفسیر را داشته باشند.

کسانی چنین شرایط و شایستگی را دارند که اولاً خود مبری از انحراف و گناه باشند و ثانیاً خود به دستورات (به نحو کامل) با انطباق با اصول آن عمل کنند و ثالثاً علم و معرفت لازم و کافی برای درک و تشریح آن ها را داشته باشند.

حال با نگرش به نص و روایات متقن نبوی از طرفی و خصوصیات فردی و معلومات شخصی (مانند آنچه درباره امامان باقر و صادق (ع) جلوه گر شد) از طرف دیگر چه کسی (چه کسانی) شایسته تر از حضرت علی (ع) و ائمه ی معصومین می تواند باشند؟

بنابراین اعم از این که در اذان جمله ی «اشهد ان علیاً ولی الله» گفته شود یا نشود مفهوم آن منطقیاً در مسیر و جریان رو به رشد و نیاز فزاینده ی تشریح

و تفسیر و تأویل اصول مُنزل بطور آشکار وجود دارد و به جای این جمله اگر استحباً گفته شود «اشهد ان علیاً و اولاده المعصومین اولیاء الله» اتمام و اکمال بیشتری را خواهد داشت.

بر این منوال عقلانی و منطقی اولاً ایجاب می نماید که ولی خدا در طول زمان حی و حاضر باشد و ثانیاً اگر بنا به مصالحی در پرده ی غیبت به سر می برد این روند بوسیله ی محققین و پژوهشگرانی که در ادامه ی راه اولیاء الله گام برمی دارند و به عنوان «فقیه» کسب علم و معرفت و تدبیر و تعمق کرده اند، به پیش رود.

حی علی الصلاه

(بشتاب به سوی نماز)

در اسلام نماز را ستون دین شمرده اند. در نماز حرکات بدن انسان با ادای کلمات و عبارات و توجه به معنویت آن ها ترکیب شده است. یعنی در حقیقت نماز تلفیق و هماهنگی روح و جسم را القاء می کند.

نماز هم شامل عبادت عملی و هم دربرگیرنده عبادت نظری می باشد که منطبق با فطرتی است که خداوند در نهاد انسان قرار داده و او را بدینسان آفریده است.

آدمی زاده طرف معجونی است کز فرشته سرشته و ز حیوان

که فرشته نمود معنویت گرائی و حیوان کنایه از جنبه مادی (نیازهای ارگانیکی) انسان است.

(درباره ی نماز مطالب بسیار گفته شده و هنوز هم جای سخن بسیار دارد که آیندگان بگویند. به هر حال در این مختصر، مطالب مفصل درباره ی نماز نگنجد و به اشاراتی مربوط به موضوع کتاب بسنده خواهد شد.)

درج_مل_ه ی «ح_ی علی ال_صلاه» شنونده تشویق و ترغیب به نماز می شود و می توان آنرا مصداقی برای امر به معروف دانست (که فریضه ی دیگری

است). معروفی که باعث دور کردن انسان از زشتی‌ها و پلیدی‌ها می‌گردد: «...انّ الصلوه تنهى عن الفحشاء و المنکر» (۱) و او را آماده تزکیه می‌کند.

حی علی الفلاح

(بشتابید به سوی رستگاری)

در این شعار فلاح به معنای رستگاری مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته است. برای بهتر روشن شدن مفهوم رستگاری به چند آیه ی قرآن کریم اشاره می‌شود:

«قد افلح المؤمنون» (۲). بنابراین اهم مؤلفه های رستگاری «ایمان» است. در حقیقت زیربنای نیات و تفکرات و اعمال انسان، ایمان و اعتقاد او می باشد.

«امن الرسول بما انزل اليه من ربه و المؤمنون كل امن بالله و ملائكته و كتبه و رسله لا نفرق بين احد من رسله...» (۳)

«يا ايها الذين آمنوا آمنوا بالله و رسوله و الكتاب الذي نزل على رسوله و الكتاب الذي انزل من قبل و من يكفر بالله و ملائكته و كتبه و رسله و اليوم الاخر فقد ضل ضلالاً بعيداً» (۴)

در اسلام زیر بنای رستگاری: ایمان به خدا و فرشتگان و کتاب آسمانی، بـه ویژه قرآن، و رسالت پیامبران به ویژه پیامبر اسلام (ص) و روز جزا... می باشد.

قرآن همواره انسان را به سوی «ایمان» فرا می خواند و آن را شرط اصلی رستگاری می داند: «قد افلح المؤمنون» بنابراین همان طوری که اشاره شد عنصر اولیه ی رستگاری «ایمان» است.

ص: ۳۶

۱- [۱] عنكبوت ۴۵: اتل ما اوحى اليك و اقم الصلوه ان الصلوه تنهى عن الفحشاء و المنکر و لذكر الله اكبر و الله يعلم ما تصنعون. ۲- مؤمن ۱. ۳- بقره ۲۸۵. ۴- نساء ۱۳۶.

-۲

-۳

-۴

«قد افلح من تزكى» (۱) «قد افلح من زكياها» (۲)

مرحله ی بعد از ایمان برای رستگاری «تزکیه» است. تزکیه به معنای «پاک کردن و رشد دادن...» است و در حقیقت خالص کردن و پاک نمودن آنچه تعلق به انسان دارد و بطور اعم، اعمال و رفتار و اخلاق و اموال و وابستگی ها و ارتباطات اجتماعی و... را در بر می گیرد که مبتنی بر ایمان و در جهت تعالی انسان به سوی خداست.

در آیات ذکر شده بالا عامل اصلی رستگاری «ایمان» و «تزکیه» ذکر شده است و در آیات زیر آنچه موجب نفی رستگاری می گردد بیان می شود:

«من اظلم ممن افتری علی الله کذبا او کذب بآياته انه لا یفلح الظالمون» (۳)

«قل ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون» (۴)

«... ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون» (۵)

در این آیات مبارکه، دروغ بستن به خدا یا تکذیب آیات او باعث عدم رستگاری قلمداد شده است. شاید حکمت تأکید بر این موضوع این است که افرادی ممکن است به دروغ ادعای پیامبری یا دریافت وحی از طرف خداوند بنمایند و یا اشخاصی اعمال و کردار و گفتار ناشایست و انحرافی خود را به خدا نسبت دهند و برای متقاعد کردن شنوندگان و احیاناً سوء استفاده از گمراهی آنان برای خود مقام و منزلتی کسب کنند و یا اموال و دارایی هایی به دست آورند.

این موارد در دوران حاضر هم مصادیقی دارد. مثلاً گروهی خود را پیرو دین و آیین خاصی می پندارند که در حقیقت زائیده ی فکر یک یا چند

ص: ۳۷

۱- [۱] - اعلی ۱۴.

۲- [۲] - شمس ۹.

۳- [۳] - انعام ۲۱.

۴- [۴] - یونس ۶۹.

۵- [۵] - نحل ۱۱۷.

انسان است و هیچ گونه دلیل و مستند منطقی و عقلی در این که اصول عقاید آن ها وحی منزل باشد نیز وجود ندارد ولی بنا بر مصالح پاره ای سیاست های تجاوزگر و در جهت تأیید و تقویت و پیشبرد این سیاست ها، عقاید انحرافی و گمراه کننده خود را به عنوان یک دین یا آیین خدایی و وحی شده (به پیامبری دروغین) از طرف خداوند قلمداد می کنند.

این گونه آیین های ضاله از دیر باز مورد سوء استفاده کشورهای استعماری قرار می گرفته و چه بسا اصولاً به وسیله ی خود این کشورها ایجاد شده است و در طول زمان، دیگر استعمارگران نیز هر یک به نحوی پیروان این آیین ها را بازیچه دست خود قرار داده و معمولاً- بیشتر برای مقابله با دین حق و نبوت پیامبر اکرم(ص) و ایجاد تزلزل در ایمان و اعتقاد مسلمانان یا مبارزه با نهادهای اسلامی از آن ها بهره می گیرند.

علاوه بر این ممکن است سیاستمداران و دولتمردان بعضی از کشورهای ظاهراً اسلامی بخواهند پایه های حکومت ناحق خود را با تعبیر غیر واقعی از دستورات اسلام و در حقیقت دروغ بستن به خدا و رسول(ص) پابرجا و استوار کنند و بیشتر بصورت خانوادگی و موروثی حاکم بر جان و ثروت های خدادادی عده ای از مردم مسلمان باشند و حب حکومت و استیلا، آنان را وادار به چنین امری کرده باشد.

حاصل دیگری از آثار تبعی ایمان، اثر اجتماعی آن است که اسلام، مؤمنین را به برادری و اتحاد و هم آهنگی و کمک به یکدیگر دعوت می نماید:

«قل انما المؤمنین اخوه فاصلحوا بین اخویکم...»(۱)

ص: ۳۸

یکی این که چون برای سنجیدن کار خوب و کار بد یک معیار مشخص و ثابته بدست نمی‌دهند و آن‌چه بعنوان ملاک ارزیابی خوبی و بدی مطرح می‌کنند وابسته به طرز تفکر انسان‌ها و نحوه قضاوت شخصی یا گروهی آن‌ها می‌باشد و به ویژه منوط به یادگیری‌های فردی و اجتماعی افراد است، بالنتیجه نسبی می‌باشد نه مطلق و یکسان در همه‌ی موارد مشابه.

بنابراین یک فرد ممکن است به عقیده‌ی خود عملی را خوب بداند و دیگری آن را بد تلقی کند. مثلاً بعضی افراد غیر مؤمن ممکن است کشتن بیماران لاعلاج را لازم و جایز بدانند و حتی برخی از چنین بیمارانی خود حاضر به کشته شدن باشند ولی در مقابل، افراد دیگری آنرا جنایت تلقی کنند.

بنابراین اگر ترازوی واحدی برای انسان در تشخیص و سنجش خوبی و بدی وجود نداشته باشد نمی‌توان به یک تعریف یکسان و مورد قبول عامه رسید.

حال این معیار تشخیص و سنگ ترازوی استاندارد برای بشر را چه کسی باید معین کند؟

خالق بشر: خدا

خدا برای همه‌ی عالم یکی است؛ بنابراین آن‌چه برای معیار سنجش موارد اصولی زندگی بشر لازم است به طور یکسان به وسیله‌ی او تعیین می‌گردد و به صورت «تشریح» و «هدایت تشریحی» به انسان ابلاغ و (به وسیله‌ی رسولان خدا) دستور داده می‌شود. ولی در بعضی کارهای زندگی عادی و روزمره‌ای که بستگی به شرایط متفاوت دارد ممکن است افراد بنا به تفکر و تعقل و اندیشه خود که آن هم موهبت الهی است روش‌ها یا شیوه‌های گوناگونی به کار بندند که این روش‌ها و شیوه‌ها در جوامع مختلف با یکدیگر

ص: ۴۰

تفاوت داشته باشد. مثلاً نظام مدیریت در کشور یا قانون اساسی یا قوانین و مقررات جاری یا عادات و رسوم ملی و محلی و غیره که متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقلیمی و... هر جامعه و کشور و ملت ممکن است با جوامع دیگر متفاوت باشد. البته در یک جامعه ی با ایمان این قوانین و مقررات و رسوم و آداب موضعی و محلی نباید از چهارچوب «تشریح» تعدی کند و مغایر با دستورات الهی باشد.

اشکال دیگری که در طرز تفکر مکتب «بشر دوستی» و «اصالت اخلاق» وجود دارد ضمانت اجرایی آن است. در مکتب خدا پرستی ناظر بر اجرای اع-مال ان-سان ذات باری تعالی است که احاطه ی کامل و نظارت جامع بر همه ی اعمال مخلوق دارد و هر مؤمن به دین الهی در خلوت و جلوت و در پنهان و آشکار، خود را در محضر خدا احساس می کند. و به همین جهت است که فرموده اند: «عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید».

اما وقتی کسی صرف نظر از ایمان به خدا و بنا به رأی شخصی یا گروهی کارهای خود را در حیطه ی زندگی در این دنیا محصور کند، ممکن است دست به هر جنایت و تجاوز و تعدی نسبت به دیگران بزند؛ در این صورت تنها زورمندان و سلطه طلبان که معمولاً اقلیتی بیش نیستند حاکم بر انبوه ستم دیدگان و محرومان وضعیف داشته شدگان خواهند شد و چون اعتقادی به نظارت خدای توانای عالم ندارند هر چه را در راستای تأمین منافع و دفع ضررهای دنیایی خود ببینند از انجام آن خودداری نخواهند کرد. نمونه های فراوانی از این طرز تفکر و شیوه ی عمل از دیرباز در جوامع مختلف بشری رایج بوده و هست و به ویژه در جنگ جهانی دوم و بعد از آن مثال های زیادی را شاهد بوده و هستیم (مکاتب بشر دوستانه و اخلاقی). جالب این که عوامل

اصلی و فرماندهان این گونه جنایات، بعضی حتی خود را پیرو ایمان به خدا و ادیان الهی نیز نشان می دهند و این چیزی نیست جز فریب توده ها از طرفی وقانع کردن مزدوران و اجرا کنندگان اعمال جنایی آن ها از طرف دیگر و شاید در پاره ای موارد «خود فریبی» و یا توجیه نیت شوم و کردار جنایت کارانه آن ها با تمسک به بهانه هایی مانند «بشر دوستانه» یا «حقوق بشر» و «مبارزه با تروریسم» باشد که اخیراً نیز بسیار شایع شده است.

با توجه به این نکته که در قرآن کریم «عمل صالح» موکول به «ایمان» و برپایه ی آن ذکر گردیده، یعنی مقدم بر «نیکو کاری» همواره «باور به خدا» و تبعات آن قرارداد شده است، بنابراین برای اعمال نیکو یک نوع استاندارد الهی برای همه ی افراد انسانی بدست می دهد و این موازین موکول به برداشت شخصی و سلیقه ای نمی شود و از حالت نسبی (نسبت به عقاید شخصی) به حالت مطلق (به صورت احکام الهی) درمی آید.

حال دو پیام عمده را می توان از این ندای آسمانی دریافت کرد: یکی پیام کلی و عام و دیگری پیام مصداقی و خاص. در پیام عام و کلی، مسلمان را دعوت می کند که در هر مورد نیکویی (خیر)، بهترین را طلب کند و در پی یافتن برترین و بالاترین باشد و همواره به سوی بی نهایت حرکت کند و به هدف های کوچک و کم ارزش راضی و قانع نباشد.

اولاً در انتخاب «ارزش» بالاترین و برترین آن را برگزیند و ثانیاً در راه نیل به هدف ارزشی خود به موفقیت محدود بسنده نکند و از تلاش دست بردارد و در راه بدست آوردن حداکثری آن گام بردارد.

در وصف یکی از علمای دینی نقل شده است که در حالی که مریض و مشرف به موت بود، از اطرافیان خود خواست به نزد عالم دیگری بروند و

مسأله ای را از او سوال کرده و جوابش را بیاورند، اطرافیان به گوشه و کنایه به او فهماندند که دیگر امیدی به زنده ماندن او نیست. وی گفت: اگر این نکته را بدانم و بمیرم بهتر از آنست که ندانسته بمیرم (۱).

در یکی از دعاهای ماه رجب آمده است «اعظنی بمسئلتی ایاک جمع خیر الدنیا و جمع خیر الاخره» از این عبارت چنین مفهوم می شود که وقتی خواهش خود را در برابر حضرت باری تعالی مطرح می کنیم محدود به این «خیر» یا آن نکنیم؛ بلکه همه ی خوبی های دنیا و همه ی خوبی های آخرت را طلب نماییم. در جهت دیگر که همسنگ و معادل همین خواسته محسوب می شود در دنباله ی دعا می آید «واصرف عنی بمسئلتی ایاک جمع شرّ الدنیا و شرّ الاخره» که در حقیقت نفی کلیه ی بدیهای دنیا و آخرت است که این هم خواسته ای در حد اکثر است.

دعاهای روایت شده از ائمه ی معصومین (ع) عموماً شامل خواسته های حداکثر است و طلب موردی و محدود کمتر در آن ها دیده می شود و اگر هم در مورد خاصی دعا می شود در همان مورد نیز در حد اکثر طلب می گردد.

نکته ی قابل یادآوری این که گرچه طرح درخواست به پیشگاه الهی ممکن است جامعیت و شمول و گستردگی داشته باشد و تلاش بنده نیز در حد اعلامی امکان انجام گیرد ولی انتظار اجابت و پاسخ حضرتش را باید موقوف به اراده و مصلحت او دانست. با این که فرموده است: «ادعونی استجب لکم» اما ذات باری تعالی مقید و محدود به شکل و اندازه و میزان استجاب همه ی خواست های بنده و نحوه ی آن نیست.

ص: ۴۳

۱ - ۱- این دانشمند بنا بر سند مندرج در کُنّی و القاب شیخ عباس قمی ج ۱ ص ۷۸: محمد بن احمد خوارزمی ملقب به ابوریحان بیرونی (دانشمند و فیلسوف قرن ۴ و ۵ هجری) بوده است.

گرچه حضرت حق بنده را درامکان انتخاب نوع و دامنه و میزان و وسعت خواسته های خود محدود نفرموده ولی مؤمن را محدود به حدود شرع نموده است که در این راستا می تواند بسوی بی نهایت پیش رود. در مقابل بنده ی با ایمان پس از مرحله ی «ادعونی» به آنچه در مرحله ی «استجب لکم» حاصل شده است راضی و خشنود می باشد و تسبیح حضرتش گوید؛ زیرا خداوند است که منزله مطلق است. در این صورت بنده ی مؤمن هیچگاه زبان به گلایه نگشاید و در اندیشه و ایمان و باور و عمل خود به این مفهوم می رسد که «هرچه از دوست می رسد نیکوست»

«سبحان الله»

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

منم که دی ده نیالوده ام به بد دی دن

حافظ

این حالت تسلیم و رضا علاوه بر بُعد معنوی و عرفانی آن که حدیث مفصل دارد در زندگی مادی و دنیایی انسان هم باعث آرامش فکر و بروز فعالیت و شکوفایی استعدادهای نهفته ی بشر می گردد و منجر به سعادت او در دنیا خواهد شد که البته سعادت آخرت را نیز در پی خواهد داشت. وقتی حضرت زینب(س) پس از آن همه مصایب و ناراحتی های جان فرسا در برابر دشمن می فرماید «ما رأیت الا جمیلاً» مسلماً دروغ و تظاهر نیست؛ بلکه واقعیتی است که همه کس امکان درک آن را ندارد.

تعداد زیادی از انسانها و شاید اکثریت، در اقیانوسی از آمال و آرزوهای پایان ناپذیر غوطه ورنند غافل از این که محدوده ی عمر یک فرد بطور طبیعی گنجایش رسیدن به همه ی آن ها را ندارد ولی این هم خلقت خداوند است که انسان را «هلوع» آفریده است.

ص: ۴۴

ی ا م ن ب د ن ی اه ا ش ت غ ل

و غ ر ه (قد غ ر ه) ط و ل ا م ل

ال م و ت ی ط ا ت ی ب غ ت ه

وال ق ب ر ص ن د و ق ال عمل (۱)

در اینجا توجه به این نکته ی، مهم ضروری است که همه ی خواسته های مادی بشر هر چند وسیع و زیاد باشد باز هم در مقابل رسیدن به وصال معبود کوچک و بی اهمیت است (اللهم ارزقنا) و این است «نهایت بی نهایت» راه انسان که از طریق عبودیت حضرت حق بدست می آید و هدف از آفرینش انسان (و جن) نیز همین است: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (۲).

راه رسیدن به این وصال را رهروان و سالکان طریقت عرفان می پیمایند و شرط توفیق در آن پیروی از آنان است که پیشروان و ائمه ی آنان؛ خاندان عصمت و طهارت می باشند که باید شیعه ی واقعی آنان بود تا به وصال یار رسید.

بطور خلاصه باسنجش ارزش همه ی انواع خواسته های انسانی و در همه ی ابعاد و اندازه های آن و حاصلی که در صورت نیل به این خواسته ها بدست می آید این نتیجه بطور وضوح در پیش روی آدمی قرار می گیرد که سیر صعودی زندگی انسان به سوی بی نهایت و رسیدن به قرب جوار الهی است و هر هدف محدودتری در صورتی ارزش توجه به آن وجود دارد که پله ای بین راهی برای این صعود باشد و هیچ گونه جایگزینی برای هدف نهایی وجود ندارد و مفهوم کلی «خیر العمل» در اینجا جلوه گر می شود.

پیام دیگری که از این شعار اسلامی به گوش می رسد از مفهوم مصداقی آن استنباط می گردد. بسیاری از علمای دین منظور از «خیر العمل» را «نماز»

ص: ۴۵

۱- [۱] این اشعار منسوب به حضرت علی (ع) است که در کتاب «دیوان الامام علی» گرد آوری «الدكتور صلاح الدين الهواری» از علمای اهل سنت، مصرع دوم «و غره» آورده شده است ولی نویسنده از دانشمند فرهیخته ای (ره) شنیدم که میگفت «قد غره ...»

۲- [۲] الزاریات ۵۶.

دان_سته اند و بعضی از علمای شیعه نیز آن را به ولایت اهل بیت (ع) تعبیر کرده اند با کمی تأمل، چنین به نظر می رسد که این تعابیر مصداقی نه فقط مغایرتی با مفهوم کلی ندارد بلکه در نتیجه ی نهایی کاملاً منطبق با آن است.

یکی از تفاوت های عمده ی اسلام با سایر ادیان الهی وجود فریضه ی نمازهای یومیه در این دین می باشد.

درباره نماز چه در قرآن و چه در روایات، مطالب بسیار بیان شده است و دانشمندان و پژوهشگران و نویسندگان، کتاب های زیادی نگاشته اند که از حوصله ی بحث موجود خارج است ولی مختصراً به چند نکته اشاره می شود: «نماز ستون دین است» و «اگر نماز مورد قبول حق واقع شود بقیه عبادات نیز مقبول است و اگر رد شود سایر عبادات نیز رد می شود».

یک نکته ی روانشناختی ظریف و در عین حال مهم در نماز موجود است که ارتباط نزدیک و پیوسته ای هم با اذان دارد:

انسان درن نیات و تصمیمات و اجرای اعمال خود همواره تحت تأثیر و کشش و جاذبه ی نیازهای اورگانیک (۱) قرار دارد. این نیازها که تأمین آن ها لازمه ی اولیه ی بقاء و حیات مادی انسان است در حقیقت از نظر مادی زیر بنای «حرکت» در بشر به حساب می آید. از طفل نوزاد تا پیر کهنسال هنگامی که گرسنه یا تشنه می شوند یک عکس العمل حرکتی از خود نشان می دهند. این عکس العمل در حیوانات و حتی گیاهان و به طور کلی در موجودات زنده هر یک به شکلی دیده می شود.

آن چه از یک انسان مؤمن انتظار می رود این است که رفع نیازهای اورگانیک خود را در چارچوب «تشریح» برآورده کند و درحقیقت شأن خود

ص: ۴۶

۱-۱- نیازهای اورگانیک که بعضی آن ها را به غرائز و کششها نیز تعبیر کرده اند عبارتند از احتیاجات مادی که برای ادامه حیات ضرورت دارد مانند خوراک، پوشاک، مسکن و ارتباط جنسی و ...

را به عنوان یک انسان حفظ نماید. مثلاً غذایی که می خورد از جنس حلال باشد و از راه حلال بدست آمده باشد و الاً یک گاو یا الاغ یا بیر یا پلنگ هیچ گاه نسبت به حلال و حرام بودن خوراک خود یا طریقه ی کسب آن و یا رعایت انصاف و عاطفه، اندیشه نمی کنند و اگر انسان هم این چنین باشد مصداق «اولئک کالانعام بل هم اضل» خواهد بود.

نماز تصحیح کننده مسیر فکری و عملی انسان در محدوده ی تشریح است و این که می فرماید:

«الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» به مناسبت همین خاصیت نماز است. انسان در فکر و اراده و بالاخره در عمل خود همواره بر سر دوراهی قرار می گیرد: یکی پیروی از «خطوات شیطان» و دیگری «صراط مستقیم».

تأمین نیازهای اورگانیک از هر دوراه امکان دارد و انسان در سایه ی لطف و رحمانیت الهی مختار به انتخاب یکی از این دوراه است. شیطان بنا بر سوگندی که در پیشگاه حضرت احدیت یاد کرده است پیوسته سعی می کند انسان نیازمند را به پیروی از خود بکشانند و لذت موقتی و ناپایدار انحراف از راه خدا را نزد بشر شیرین جلوه دهد و تنها بندگان مخلص توان رهایی از چنبره فریب شیطان را خواهند داشت و نماز چنین توانائی و امکانی را به انسان عطاء می کند و وقتی تسلیم شیطان نشد جمله ی نیات و رفتار و کردار او در مسیر شریعت الهی (دین) جریان خواهد یافت و بدین سان نماز ستون محکمی در اساس و پایه دین به حساب می آید و مصداق «خیر العمل» برای نماز تحقق می یابد.

همان طوری که اشاره شد در تحلیل بعضی از علمای شیعه مصداق «خیر العمل» ولایت ائمه معصومین (ع) ذکر شده است که اگر عمیقاً به این نظر

توجه کنیم انطباق آن را با مصداق «نماز» و همچنین با مفهوم کلی «خیرالعمل» در می یابیم.

زیرا از طرفی ائمه (ع) هر یک خود اسوه و نمونه‌ی معصومیت بوده‌اند. و خداوند اراده فرموده است که همه‌ی پلیدی‌ها را از خاندان عصمت بزدايد و آنان را پاک و مطهر گرداند^(۱) که نتیجه‌ی نماز هم «تنهی عن الفحشاء والمنکر» است، که نهایت آن معصومیت می‌باشد. و از طرف دیگر چون علاوه بر عصمت، هر یک از ائمه (ع) دانشمند زمان خود و زمان‌های بعدی بوده و همچنین دارای سجایای اخلاقی و حسّ رفّ_تار ویژه و بالاتر از همه عرفان و عبودیت الهی بوده‌اند، راه آنان مصداق «صراط مستقیم» و محبت و پیروی از آنان مصداق «خیرالعمل» می‌باشد.

بنابراین مفهوم کلی «خیرالعمل» نه تنها با مصداقی ذکر شده (نماز و پیروی اهل بیت) مغایرتی ندارد بلکه با توجه به مفاهیم این مصداقی، انطباق کامل با آنان دارد.

حتی حضرت آدم (ع) که به عنوان یک انسان دارای نیازهای اورگانیک از جمله میل به جاودانگی زندگی داشته فریب وسوسه‌ی شیطان را می‌خورد که شیطان آگاهانه براساس همین تمایل انسان نقشه‌ای طرح ریزی کرده بود و به او وعده داد اگر از آن گیاه نهی شده بخورد زندگی جاودان خواهد یافت «فازلهما الشیطان...»^(۲) ولی پس از این لغزش و تزلزل بلافاصله آدم (ع) به خود آمد و گوش به فرمان الهی داد و توبه کرد و خداوند توبه‌ی او را پذیرفت: «فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو التواب الرحیم»^(۳).

ص: ۴۸

۱- [۱] - آیه تطهیر: احزاب ۳۳ (تفاسیر مختلفی درباره‌ی مفهوم اهل البیت در این آیه شده است که در جای خود قابل تأمل است ولی از این بحث خارج می‌باشد)

۲- [۲] - بقره ۳۶.

۳- ۲- بقره ۳۷.

گرچه این سرپیچی از نهی الهی (یا به قول بعضی از علما ترک اولی) موجب بیرون راندن حضرت آدم(ع) و همسرش از باغ مخصوص شد ولی پشیمانی و توبه ی بی درنگ او باعث زودده شدن اثر این سرپیچی و ابقاء او در دایره ی عصمت و نبوت گردید بطوری که خداوند درباره ی خلقت آدم به ملائکه فرموده بود او را جانشین خود در روی زمین قرار داده و علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات به او آموخت(۱).

حذف «حی علی خیر العمل» از اذان

درباره ی حذف جمله ی «حی علی خیر العمل» از اذان و علت و زمان آن به اختصار مطالبی بیان می گردد:

همان طور که یادآور شد بنابر روایات موثق جملات اذان به وسیله ی وحی از طرف ذات اقدس به پیامبر(ص) رسیده و سپس به اولین اذان گوی اسلام (بلال حبشی) تعلیم داده شده است. (شاید بتوان آنرا حدیث قدسی نامید)

بنابراین هرگونه تغییر و تبدیل در جملات اذان نوعی بدعت محسوب می شود. گرچه بعضی از علما اهل سنت این تغییر را به روایتی از پیامبر(ص) مستند می کنند که صحت آن مورد تردید است(۲) ولی برعکس، در روایات متعدد و با عبارات گوناگون از طرف ائمه ی معصومین(ع) وجود «حی علی خیر العمل» در اذان مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است و حذف آن را نفی و نهی کرده اند.

علاوه براین، انتساب چنین روایتی (درباره ی حذف حی علی خیر العمل و جانشینی: الصلاة خیر من النوم) به پیامبر اسلام با نگرش به سیره ی آن

ص: ۴۹

۱- [۱] - آیات ۳۰ و ۳۱ بقره.

۲- ۱- درباره متن روایت اهل سنت و بعضی از روایات ائمه (ع) توضیح در: سنن ابی داوود (از صحاح سته) ج ۱ ص ۱۳۱ باب کیفیت الاذان سنن ابی ماجد ج ۲ ص ۳۴ سنن دارمی ج ۱ ص ۲۸۹. ۲- روایات متعددی نقل گردیده است که در وسایل الشیعه و سایر کتب موجود است.

حضرت و قیاس با سایر احادیثی که از ایشان مروی است شاید عقلاً و منطقاً نیز قابل پذیرش نباشد.

عبارت «حی علی خیرالعمل» از زمان تشریح در اذان وجود داشت (باستناد تاریخ معتبر) و در دوران خلافت ابوبکر و اوایل خلافت عمر هم متداول بود ولی به دستور عمر به عنوان این که اگر بهترین عمل، نماز تلقی شود ممکن است مسلمین حاضر به رفتن به جبهه های جنگ و شرکت در نبردهای خطرناک نشوند و به جای آن نماز بخوانند که خطر کشته شدن را هم ندارد، حذف گردید(۱).

در اثبات این که «حی علی خیرالعمل» به هیچ وجه مانع از واجب مسلمی که جهاد باشد نمی گردد به ذکر چند نمونه اکتفا می شود: نمونه ی بارز، شرکت مسلمین در غزوات زمان پیامبر(ص) (بعد از هجرت) که با وجود جمله ی «حی علی خیرالعمل» در اذان، مسلمانان گروه گروه به طور داوطلبانه در رکاب پیامبر(ص) می جنگیدند و در حین نبرد در وقت نماز اذان گفته می شد و شامل جمله ی مذکور هم بود و به هیچ وجه ادای این جمله مانع از شرکت مسلمین مؤمن حقیقی (نه منافق) در ابراز شجاعت یا موجب ایجاد تعلل آنان در جنگیدن با کفار نمی شد.

نمونه ی شگفت انگیز و آموزنده ی دیگری که پیام بخش بسیاری از مبارزات حق طلبانه و عدالت خواهانه در دنیا حتی در گروه های غیر مسلمان می باشد، قیام حضرت سید الشهداء امام حسین(ع) علیه زورگویی و فساد و استبداد است(۲). جالب این که در زمان اوج این نبرد نابرابر در ظهر عاشورا با ندای «الله اکبر» اذان و ادامه ی آن که «حی علی خیرالعمل» را هم در بر

ص: ۵۰

۱-۱ - الفقه علی المذاهب الخمسه /...: عمر گفت: اذا سمع عوام الناس ان الصلاة خیر العمل تهاونوا بالجهاد و تخلفوا عنه.

۲- [۲] - گاندی الگوی مبارزه خود را از امام حسین (ع) گرفته بود .

داشت، امام و یارانش در زیر باران تیرهای دشمن به نماز ایستادند و فرمان «حی علی الصلاه» و «حی علی خیرالعمل» الهی را جامه ی عمل پوشاندند و با وجود تعداد اندک در برابر کثرت دشمن، هیچگونه تزلزلی برای ادامه ی نبرد تا شهادت در آن ها ایجاد نگردید: در پاسخ به ندای «حی علی خیرالعمل» نماز عشق را در محراب شهادت بر پا داشتند.

نمونه ی دیگری که نسل حاضر شاهد عینی آن بود؛ رزمندگان مؤمن و معتقد کشور ما در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می باشد. این جنگجویان و مدافعین داوطلب از روی عشق و علاقه با آرزوی شهادت بدون تزلزل در نیت خود و با استحکام اراده و ایمان در جبهه های جنگ هر روز و شب ندای «حی علی خیرالعمل» را در اذان می شنیدند و نماز می گزاردند و ذره ای از قصد و عمل جهادی خود کم نمی کردند و آرزوی بسیاری از آن ها پیوستن به صف شهدا و پیروی از شهدای کربلا بود ضمن این که به راستی «بهترین عمل» را نماز می دانستند و آنرا در سخت ترین شرایط هم به جا می آوردند.

از مجموع این نمونه های عملی چنین نتیجه گیری می شود که «حی علی خیرالعمل» که گویای بهترین عمل یعنی فریضه ی نماز می باشد به هیچ وجه مانع و رادع و جلوگیری کننده ای برای «جهاد» که آن هم فریضه ی دیگری در جای خود است نخواهد بود و استدلال کسانی که پیام آن را بازدارنده شرکت مسلمین در جهاد تلقی کرده و می کنند بسیار سست و بی پایه می باشد که در عمل هم ثابت شده است.

همانطوری که اشاره شد جای تأکید دارد تا مجدداً یادآور گردد که عبارت «الصلاه خیر من النوم» و اسناد آن به روایتی از رسول اکرم (ص) علاوه بر این که این گونه روایات سند محکمی ندارد، از جهت منطقی هم با

توجه به روش و سیره ی آن حضرت نمی توان آن را منسوب به آن حضرت دانست. زیرا حضرت پیامبر(ص) که حتی نماز شب را (علاوه بر فرائض یومی ه) بر خود فرض می دانستند و سخنی از روی میل شخصی و هوس نمی فرمودند (ما ينطق عن الهوى) دور از عقل و منطق به نظر می رسد که نماز را بهترین عمل ندانند و نظری غیر از این بدهند (چه نظر شخصی و چه مبتنی بر وحی).

علاوه بر این، جمله «الصلاه خیر من النوم» استحکام و جامعیت سایر جملات اذان را ندارد و توجه به معنا و مفهوم آن هم مؤید عدم آهنگی و همچنین سبک بودن آن نسبت به دیگر جملات اذان می باشد.

اگر بگوییم «الصلاه خیر من النوم» بر این سیاق می توان موارد زیاد دیگری را ذکر کرد که از نظر مفهوم مشابه و هم سنگ آن است مثلاً: «الصلاه خیر من الاكل» یا «الصلاه خیر من الشرب» و «الصلاه خیر من المشی» «الصلاه خیر من...» که می توان کلیه ی اعمال عادی و روزانه انسان را در مقایسه با نماز قرارداد که نماز بهتر از آن ها است.

بنابراین، معنا و مفهوم این جمله هم جامعیت سایر جملات اذان را ندارد و هم عدم سنخیت آن با سایر جملات بارز است.

تکبیر و تهلیل

(الله اکبر _ لا اله الا الله)

در پایان اذان باز هم به گفتن تکبیر و تهلیل می رسیم که با تکرار اصول عقاید اسلامی تأکید بر وجود الله و یگانگی او می گردد.

به طور خلاصه:

ص: ۵۲

«الله اکبر» دو وجه دارد یکی وجه اثباتی: «وجود الله» با همه صفات او که «حمد» است و دیگری وجه نفی: مبری بودن ذات اقدس «الله» از هرگونه محدودیت و نقص که «تسیح» الهی است.

«لا اله الا الله» نیز دو وجه دارد: یکی وجه نفی: هیچ معبودی جز «الله» وجود ندارد که «تسیح» است و دیگری وجه اثباتی: وجود «الله» با نظر به همه صفات جلال و جمال او که «حمد» می باشد. ضمناً وجه وجود در هر دو مورد را می توان نتیجه ی منطقی وجه دیگر دانست.

توضیح:

جملات اذان را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول شامل سه جمله ی ابتدایی و اضافه کردن جمله «اشهد انّ علیاً ولی الله یا حجه الله» که جنبه ی عقیدتی و ایدئولوژیک دارد و بیان کننده ی اصول عقاید یک مسلمان مؤمن و گوینده ی اذان می باشد و می توان آن را «عبادت نظری» دانست.

دسته دوم سه جمله ی میانی اذان است که جنبه ی حکمی و تبلیغی آن بیشتر است و مؤمنین را تشویق و ترغیب به اعمال و فرایض مورد نظر شریعت مقدس می نماید. این قسمت را می توان وجه عملی و اجرایی اذان و به عبارت دیگر «عبادت عملی» دانست.

دسته سوم تکبیر و تهلیل مجدد است بدون انتساب مستقیم و ظاهری به گوینده ی اذان، زیرا در قسمت اول (شهادت اول) انتساب به گوینده ی اذان تصریح گردیده است و در این قسمت فقط اصل عقیده بیان می شود.

نتیجه: شاید حکمت این که شروع اذان این پیام الهی با دو جمله تکبیر و تهلیل و کلمه ی «الله» است و خاتمه ی آن هم با این دو جمله و کلمه ی «الله» می باشد، این است که پیام هایی که در سایر جملات نهفته اند همگی محاط در

وجود و یگانگی «الله» است و ایمان به نبوت رسول اکرم(ص) و رسل قبل (و در دنباله آن ایمان به ولایت ائمه اطهار(ع)) و کوشش و تشویق به برپا کردن نماز و شتاب به سوی رستگاری و اعمال نیکو و بهترین آن همگی زیر مجموعه ی ایمان به وجود «الله» و توحید است و هیچ عقیده ای خارج از این محدوده به سعادت واقعی انسان منتهی نخواهد شد.

توضیح دیگر

به طوری که مشهود است در جملات اذان «حی علی الصلاه» مستقیماً تشویق و ترغیب به نماز است و «حی علی خیرالعمل» نیز در تعبیر مصداقی آن طلب به سوی نماز می باشد. حال این سؤال مطرح می شود که چرا نماز در دو جمله مورد ترغیب قرار گرفته است در صورتی که سایر موارد تشویقی در یک جمله گفته می شود؟

شاید بخشی از حکمت آن چنین باشد که اولاً هیچ یک از موارد مذکور به اندازه ی نماز اهمیت ندارد و از آنجا که نماز ستون دین و رکن عبادات محسوب می شود و هم چنین از فحشاء و منکر جلوگیری می کند که در نتیجه ی آن تقوای الهی حاصل می گردد، تأکید مجدد بر روی آن شده است. ثانیاً در جمله ی «حی علی الصلاه» نماز علی الاطلاق و به عنوان یک فریضه و بدون این که توصیف دیگری از آن بشود مورد سفارش است در صورتی که جمله ی «حی علی خیرالعمل» جنبه ی توصیفی نماز است و بدون این که مستقیماً از آن یاد شده باشد مؤمن شنونده را در ابتدا متوجه اعمال نیکو و پسندیده می کند و سپس توجه خاص او را به بهترین عمل جلب می نماید. و اگر بنا به بعضی روایات مصداق «خیرالعمل» را ولایت خاندان عصمت و

طهارت تلقی کنیم باز هم هر دو مصداق «نماز» و «ولایت» مانع‌الجمع نخواهد بود و مغایرتی با مفهوم کلی آن نیز نخواهد داشت. ۱. (۱)

قدامت الصلوه

(به تحقیق نماز پابرجاست) حال که جملات اذان مورد بررسی قرار گرفت و این جملات نیز در اقامه وجود دارد شایسته است به جمله ای که بطور اختصاصی در اقامه گفته می شود اشاره ای بعمل آورده شود.

تأکیدی که در این جمله بر «پا برجا بودن» نماز شده است را می توان دال بر تداوم و اقامه آن در سیر زمان بطور پیوسته و بدون تعطیلی و ترک آن دانست (قد...).

گرچه مفسرین قرآن جملگی بر آنند که مصداق بارز «کوثر» در سوره ی «کوثر» نعمت و عطیه ی گرانبهای وجود حضرت فاطمه زهرا(س) به پیامبر اکرم(ص) است ولی عطایای دیگری نیز از جانب پروردگار به حضرت ختمی مرتبت داده شده که عظمت و برکت آن مداومت و ازدیاد در طول زمان دارد که می توان آن ها را نیز مصادیقی از کوثر دانست از آن جمله قرآن و نماز است که در همین سوره به نماز اشاره گردیده است. در آیه دوم این سوره آمده است «فَصِّلْ لِرَبِّكَ و انحر» (پس برای پروردگارت نماز بگزار و قربانی کن). در اینجا به دو نکته می توان اشاره کرد: یکی این که به پیامبر دستور داده شده است که به شکرانه ی نعمت «کوثر» که به وی عطا گردیده در پیشگاه پروردگار خود «نماز» بگزارد.

ص: ۵۵

۱-۱- درباره ی «حی علی خیر العمل» توضیحات مفصلی در دو کتاب «حی علی خیر العمل» تألیف السید محمد مهدی السید حسن الموسوی الخرسان و «مساله الصلوه خیر من النوم» تألیف مجمع جهانی اهل بیت (ع) داده شده است که هر دو کتاب به زبان عربی می باشد.

نکته دیگر این که چون نعمت عطا شده یعنی «کوثر» بصورت فزاینده ای در طول زمان گسترده است، شکرگزاری آن تبعاً دارای چنین حالتی است (ک_ه به وسیله پیروان حضرت پیامبر اکرم(ص) تا قیام قیامت اقامه می شود). به عبارت دیگر نتیجه گیری می شود که «نماز» رانیز می توان از مصادیق «کوثر» تلقی کرد و بدین صورت «قدامت الصلوه» جلوه روشن تر و مشخص تری از گستردگی و ادامه ی نماز رانشان می دهد.

در این باره توجه خواننده محترم را به قسمتی از تفسیر سوره ی کوثر در «پرتوی از قرآن قسمت دوم جزء سی ام» نوشته مرحوم آیت اله طالقانی(ره) جلب می نماید:

«فصل لربك وانحر: این آیه تفریح به آیه ی سابق و به گفته عموم مفسرین امر به شکرگزاری در مقابل اعطاء کوثر، بوسیله ی نماز است.....»

و شاید امر تفریعی «فصل» متضمن جزاء شرط مقدر باشد: یعنی چون به تو کوثر اعطاء کردیم برای این که این منبع فیاض را هرچه بیشتر و به هر سو جاری گردانی، باید برای پروردگارت همی نماز گزاری و قربانی نمایی، زیرا نماز کامل، پیوستگی به پروردگار و باز نمودن مجاری روح از موانع نفسانی، برای جریان فیض و رحمت، و قربانی، انفاق گرانبهاترین حیوانات موردعلاقه برای پروردگار است. این نماز و قربانی است که سرچشمه ی کوثر را به روی شخص و بسوی خلق می گشاید و باترک آن هر سرچشمه ی خیری بسته و خشک و حیات انسانی جامد و ساکن و ناپایدار می گردد.»

در این تفسیر نیز پیوستگی «نماز» و تبعیت آن از نعمت «کوثر» مورد تأکید قرار گرفته است و شاید بتوان گفت که تابع و متبوع هر دو کوثر هستند.

اذان یک اعلان عمومی است بنابراین هدف آن است که این آوای ملکوتی را افراد، هرچه بیشتر و با تعداد زیادتر بشنوند و در نتیجه فرهنگ اذان در سطح هرچه گسترده تر اشاعه یابد. بنابراین علاوه بر اعلان وقت اثر این آوا، روی انسان ها و به عبارت بهتر در روح و اندیشه ی افراد انسانی مورد نظر است و توجه به این نکته قابل ذکر است که انسان را یک بار به عنوان «فرد» مورد خطاب قرار می دهد و در مرحله ی دیگر «جامعه انسانی» به منزله ی «یک مجموعه» طرف توجه واقع می شود.

به همین جهت در این فصل پی آمدهای فردی یا تأثیرات اذان روی فرد فرد انسان ها، تحت عنوان «اذان و فرد» و تأثیرات اجتماعی آن با عنوان «اذان و اجتماع» مورد بحث قرار خواهد گرفت.

اذان و فرد

ادای کلمات و جملات اذان و به ویژه تکرار آن اولاً برای کسی که خود گوینده و بیان کننده آن است، موجب ازدیاد ایمان و تقویت اعتقاد او از راه «تلقین به خود» خواهد بود.

مؤذن با بیان مکرر جملات این آوای ملکوتی و دقت و تعمق در مفاهیم آن و اقرار به ایمان داشتن به این مفاهیم مرتباً در راه بالا بردن سطح اعتقاد خود و تقویت انگیزه عقیدتی (ایدئولوژیک) در اعمال و رفتار و بیان و برخورد با جهان خارج از خود گام برمی دارد و چنین امری باعث می شود که در انتخاب راه زندگی، شیوه ی اصلاح را برگزیند و از ارتکاب اعمال زشت و ناپسند پرهیز نماید و به طور خلاصه به سوی تقوا و رستگاری پیش رود. به ویژه این که معمولاً گوینده اذان و بسیاری از شنوندگان آن سپس رهسپار اقامه ی نماز می شوند که خود عامل مؤثر دیگری در اصلاح فکر و عمل انسان ها و بازداشتن آن ها از زشتی و ناپسندی (فحشا و منکر) است.

مؤذن با اظهار و بیان جملات اذان نه تنها به خاطر راسخ شدن اعتقاد خود از دست زدن به اعمال زشت پرهیز می کند بلکه همچنین اگر متأثر از وسوسه های شیطانی در شرایطی قرار گیرد که در شرف ارتکاب عمل زشت باشد در بین افرادی که او را به عنوان گوینده ی جملات اذان می شناسند، از انجام عمل زشت خجالت می کشد و به خاطر آبروی خود ملاحظه و پرهیز می کند و با کمی تفکر و عاقبت اندیشی و توجه به حضور در محضر حضرت باری تعالی به این نتیجه منطقی خواهد رسید که چگونه حاضر نیست آبروی خود را در اجتماع بندگان خدا از بین ببرد ولی پرهیز و تقوای او بخاطر حفظ آبرو در پیشگاه معبود نباشد؟ و بالنتیجه در این سیر تکاملی به خلوص در عمل و گفتار خود نزدیک می شود. نتیجه: تقوای مؤذن.

از طرف دیگر مشابه همین تأثیر یعنی گرایش به خلوص و تقوا، در شنوندگان اذان هم به نسبت های مختلف ایجاد خواهد شد.

چه بسا شنونده ی اذان با شنیدن جملات آن هماهنگ بامؤذن، آن را زمزمه و تکرار کند و به مفاهیم آن اندیشه نماید که در سازندگی فکر و استواری ایمان او مؤثر خواهد بود.

کسی که به مفاهیم اذان ایمان پیدا کند و به ویژه به دوجمله ی ابتدائی و انتهائی آن (تکبیر و تهلیل) توجه نماید، هیچگاه دروغ نخواهد گفت؛ زیرا دروغ گفتن یا برای جلب نفع یا بخاطر دفع ضرر است که با قانع کردن و تلقین باور غیرواقعی به بنده ی دیگر انجام می شود. بنابراین اگر کسی واقعاً به بزرگی و یکتائی خدا ایمان داشته باشد خدا را برتر و بالاتر از همه ی موجودات و مخلوقات عالم (بدون مقایسه با آن ها) می داند و باور دارد که نفع واقعی در اطاعت او و ضرر حقیقی در سرپیچی از فرمان وی می باشد و منطقاً و عقلاً مرتکب دروغ گویی نخواهد شد.

درباره خودداری انسان از ارتکاب سایر نواهی و معاصی نیز این چنین است. دزد که از پلیس (بنده خدا) می ترسد و خود را از او مخفی نگه می دارد، چگونه از خالق بندگان (خدا) نمی ترسد و در پنهان از دیدگان عباد دست به معصیت در حضور معبود می زند؟

همچنین اثرات قاطع ایمان به «تکبیر و تهلیل» در ایجاد تمایل و گرایش افراد به اجرای اوامر و نواهی الهی غیر قابل انکار است.

به عبارت دیگر ایمان عمیق به این دو اصل توحیدی که تبعاً ایمان به موارد دیگر دستورات الهی را در پی خواهد داشت انسان را در محدوده ای قرار می دهد که آن را «تقوا» می نامند. یعنی «تقوی الله» (پرهیز برای خدا) خط مشخصی است که رسم کننده آن خداوند است و پوینده و حرکت کننده ی روی آن خط، بنده خالص شده خدا است و این چنین بنده ای را

شیطان (این دشمن قسم خورده ی بنی آدم) هم قادر به فریب و منحرف کردن نیست. (۱)

شاید سرّ این که هر بنده ی مسلمان موظف است در شبانه روز حداقل ده بار از درگاه خداوند طلب هدایت به راه راست نماید. (۲) یکی این است که انسان به یاری خدا از خط تقوا دور نشود و همواره تأثیر کشش ها و تمایلات منحرف کننده از این خط را با نیروی ایمان و اخلاص خشی نماید و از قوه ی جاذبه ی بسیار قوی و سوسه های شیطان به عالم خارج از این جاذبه پرواز کند و از فرو افتادن در دام او ایمن شود تا بتواند به آزادی به سوی خدا و سیر الی الله و بالتیجه سعادت ابدی رهسپار گردد. ان شاء الله

تعبیر دیگری که می توان داشت این که عبادت عملی (حسن فعلی) در حیطه ای قرار دارد که محصور در عبادت نظری (حسن فاعلی) است. یعنی عبادت عملاً در محدوده ی ایمان واقع است و عقل گرچه حجت است ولی در خارج از سیطره ایمان نمی تواند معیار سنجش مطلق قرار گیرد. (حسن فاعلی و حسن فعلی)

یکی از پیامدهای مهم اذان اثر در روحیه و آرامش فرد و دور کردن او از نگرانی ها و ناراحتی های زندگی است زیرا موجب یاد خدا و عظمت و یگانگی او می شود که بنا به فرمایش حق جلّ و علا «الا بذكر الله تطمئن القلوب» است. (۳)

ص: ۶۱

-
- ۱- [۱] - قال (شیطان) فبعزتک لاغوينهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین - سوره ص ۸۲ و ۸۳ و حجر ۳۹ و ۴۰ مشابه آن.
 - ۲- [۲] - اهدنا الصراط المستقیم - حمد ۶.
 - ۳- [۳] رعد ۲۸.

در بعضی از کشورها صبحگاهان برای تشویق مردم به آماده شدن و رفتن به سر کار خود، شعارهای کوتاهی از طریق رادیو یا تلویزیون بطور مکرر پخش می شود تا افراد زودتر از جا برخیزند و به سوی فعالیت روزانه که اغلب قریب به اتفاق آن فعالیت ها در جهت کسب درآمد و تأمین نیازهای مادی زندگی است بروند.

طرح و کاربرد این روش بر مبنای یک اصل روانشناسی است که وقتی یک موضوع بطور منظم و در شرایط مناسب تکرار شود و به گوش افراد برسد اثر آن نافذتر خواهد بود.

در اسلام قبل از این که روانشناسان و علمای اجتماع درباره این روش تحقیق کنند و به نتیجه برسند، دستور به ادای مکرر شعارهای کوتاه ولی با معانی گسترده در اذان (و اقامه) فرموده که محتوای جملات آن و تعمق و تدبر در کلمات، موجب سعادت دنیا و آخرت انسان ها خواهد شد و منحصر به کسب منافع مادی نخواهد بود و ضمن فراموش نکردن جنبه ی مادی زندگی (در حد مشروع) به معنویت هم توجه خاص شده است. درباره ی اذان می توان گفت تکرار شعارهای کوتاه بر طبق فطرت انسان و تأثیر آن در روان و روح بشر طراحی شده است. اجتماع گروهی از انسان ها از یک طرف جمع افراد با خصوصیات فردی هر یک است و از طرف دیگر دارای خصوصیات جمعی است که ماورای مجموع خصوصیات انفرادی می باشد و این خصوصیات در روانشناسی اجتماعی در مقابل روانشناسی فردی مورد بحث قرار می گیرد(۱).

ص: ۶۲

۱- [۱] - درباره این خصوصیات می توان به کتاب روانشناسی اجتماعی نوشته « اتو کلاين برگ » ترجمه مرحوم دکتر کاردان مراجعه کرد .

بنابراین در بررسی اثرات و پیامدهای اجتماعی اذان، نکاتی اضافه بر اثـرات فـردی آن مـورد تـوجـه قرار خواهد گرفت که تا حدی متفاوت با پی آمدهای فردی است ولی از آن جدا نمی باشد.

هنگامی که آوای پر محتوای اذان به دست امواج صوتی سپرده می شود و در فضای گسترده ای به گوش انسان ها می رسد، ابهت و عظمت اسلام در اجتماع طنین انداز می گردد، و نشان دهند قدرت معنوی و همچنین کثرت مؤمنین به اسلام می باشد.

وقتی گروهی از مسلمین با شنیدن بانگ اذان بطور جمعی و انفرادی رهسپار عبادتگاه (مسجد) می شوند هر بیننده ای را ممکن است متأثر سازد و ترغیب به همراهی آنان به سوی مسجد نماید (تأثیر اجتماع روی فرد) و این عمل گروهی که منجر به اقامه ی نماز جماعت می شود اتحاد بین مؤمنین و همدلی و هماهنگی آنان را بیشتر می کند (تأثیر اجتماع روی اجتماع) و این نکاتی است که بطور کلی در روانشناسی اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است.

درعین حال شرکت عده ای در یک حرکت هماهنگ و همزمان که با ندای «الله اکبر» اذان شروع می شود یک نمایش اجتماعی و تظاهرات (دمونتراسیون) دینی است که در سایر ادیان به این صورت وجود ندارد و اگر هم در بعضی از قبایل کوچک بدوی و غیر متمدن حرکات دسته جمعی مذهبی به چشم می خورد اولاً- این حرکات هیچگاه فرهنگ پربار غنی همچون اذان و حرکت به سوی نماز را در بر ندارد و ثانیاً اغلب مبنای خرافی و افسانه ای دارد که در دنیای متمدن، منسوخ و فراموش شده می باشد. درحالی که آوای اذان و حرکت به سوی نماز و ادای فریضه بصورت جماعت

در همه ی جوامع بشری اعم از پیشرفته و غیر آن، قابل طرح است که بسیار جالب و باشکوه و تحسین برانگیز بوده و اهمیت و جذبه آن بین متمدنین بیشتر می باشد (نمونه بارز این مورد در نماز جماعت در مراسم حج تمتع بسیار چشمگیر است).

اذان بعنوان فراخوان عمومی به نماز تلقی می شود که (نماز) خود عبادتی از طرف مسلمین به درگاه خداوند یکتای واحد و ایمان به رسالت پیامبری واحد و بر طبق دستور العمل و کتابی واحد (از نظر متافیزیکی) و رو به سوی نقطه ای واحد (از نظر فیزیکی) یعنی قبله (کعبه مسجد الحرام) انجام می گیرد.

برای هر نماز گزار ممکن است چنین تصویری در ذهن مجسم شود که در تمام ساعات شبانه روز در سراسر جهان، متناسب با اختلاف افق و ساعات نقاط مختلف دنیا، عده ای از هم کیشان وی رو به سوی یک مرکز (خانه خدا) به عبادت می پردازند و در مقدمه ی این عبادت ندای ملکوتی اذان در تمام اوقات شبانه روز در جای جای کره ی ارض می تواند طنین انداز باشد. این تصور خود ممکن است موجب احساس رضایت و افتخار این مسلمان از مسلمان بودن خود شود و به انجام هر چه بیشتر عبادات و نزدیکی به خدا کوشا گردد (تأثیر اجتماع روی فرد). ضمناً در چنین شرایطی هر فرد مسلمان در دنیای گسترده روی کره زمین و بین اجتماع میلیاردها انسان خود را تنها نمی یابد و میلیون ها مسلمان دیگر را همراه و همفکر خود به حساب می آورد که این امر به نوبه ی خود باعث تقویت روحیه و ثبات عقیده و پیگیری بیشتر احکام اسلام در بین افراد جامعه مسلمان خواهد شد و پایداری آن ها را در برابر تجاوزات و تعدیات دشمنان اسلام و ره پویان کفر و الحاد افزایش خواهد داد.

علاوه بر این، احساس وجود این فصل مشترک با مسلمانان دیگر مآلاً باعث همبستگی و اتحاد بین مسلمین خواهد شد و در عین حالی که همدیگر را نمی شناسند و ارتباط مستقیمی با هم ندارند ولی در اندیشه ی هر فرد مسلمان مؤمن که در هر زمان خود را در زمره ی سایر مسلمانان حس می کند که در حال عبادت به سوی کعبه واحد هستند، اتحاد و همبستگی او را با سایر هم کیشان راسخ تر می نماید.

ندای گسترده

هـ_رگ_اه آوای ال_هی اذان در م_کافی که ت_ع_دادی مسلمان در آن به سر می برند طنین انداز گردد، الزاماً گوش غیر مسلمانان آن ناحیه را نیز نوازش خواهد داد و ممکن است کنجکاوی بعضی را برانگیزد که درباره ی کلمات و جم_لات آن ان_دی_ش_ه_کن_ن_د و اح_یاناً در روح و فکرشان تحول و جهشی به سوی حقیقت ایجاد شود. بدین سان می توان تصور کرد که نور این ندای مقدس رفته رفته سراسر قلبشان را روشن کند و چون به دفعات تکرار گردد باعث گسترش ایمان و عقیده اسلامی می شود.

این موارد را می توان به عنوان تأثیر اذان بر روی افراد غیر مسلمان تلقی کرد که نهایتاً به رشد جامعه مسلمان منجر می گردد.

شاید یکی از انگیزه های مخالفت با ساخت مناره و مأذنه مساجد در بعضی از کشورهای غربی بی ارتباط با تأثیر نمودهای اسلامی (منجمله اذان) بر روی افراد غیر مسلمان نباشد.

خداوندا !!

ما را یاری فرما تا گوش جان به آوای ملکوتی اذان سپاریم و به سوی نماز رو آریم و با پیروی از رهنمودهای رهایی بخش اسلام از هرگونه بندگی غیر خدا تنها به عبادت او نایل شویم که موجب رستگاری دنیا و آخرت باشد.

آمین یا ربّ العالمین

الحمد لله رب العالمین

ص: ۶۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

